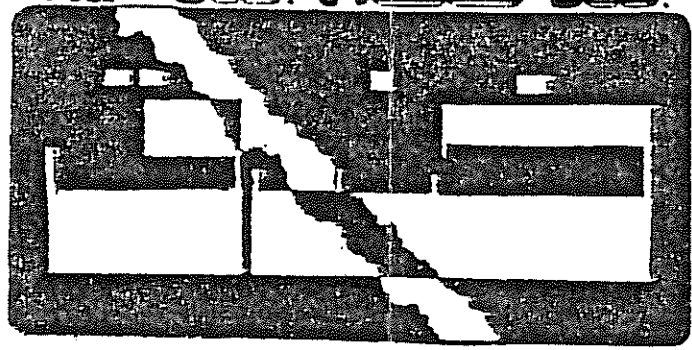


۲۴-۲۵

جنگ خندق، جنگ امروز!



★
 فلسفه ما شورا، شهادت حسینی :
 جنگ نیست، رسالت است
 سلاح نیست، پیام است
 کلمه ای که با خون تلفظ
 میشود، خیانت رانده نابوده
 که چون تاپش نور نشان میدهد
 جلادی در نیمه شب، تسبیح—
 گویان بنام یک " امام"
 نزدیک میشود، سردم
 برای اقتدای سوار
 برخاسته اند تا در پیش
 صف کشند، شهید نامشان
 شمع را در جمع بسوز
 میافروزد، همین!

سال دوم مهر - آبان ماه ۱۳۶۴، نشریه "دانشجویان ارشاد"

۱۱۰۲-۸۸-۴-۱۱

کارزار دولتی در آستانه انتخابات

□ اگر باور داشته باشیم که ثبات هر رژیم سیاسی در گرو وضعیت و جایگاه سه عامل است - شرایط عینی و درجه شناخت توده ها، نیروهای انقلابی - وضعیت بافت حکومتی، رکن سوم این ثبات سخت به لرزه افتاده است. دو نمايش اخيرا انتخاباتسي (رياست جمهوری و نخست وزيري) اگر چه نمود مضک و متزلزليسي از مفهوم مشروعيت انتخابات در نظام استحصاری حاکم بود، اما پرده دريهای حکام مرتجع وصف گشائيسای درون حکومتی که از اتفاق با بالاگرفتن بحث "آزادی مطبوعات" همراه شد، خود فرصت مختنمی گردید، برای توده های آگاه تا از لابلای این معرکه های حکومتی، زیک سودست آوردها و بیلانی ۵ سال خيانت جنایت و استبداد را، البته این بار از زبان خود حکام، بشنوند و از سوی دیگر، فر داینا معلوم و بحرانی زده ای را که سران رژیم استحصاری تسداریک می بینند، بشناسند.

ابعد سیستما تیک، مستند و صریح این افشاگریهای درون حکومتی، چنان از حیث مواد و فاکتورهای اقتصادی، سیاسی اجتماعی، برای نیروهای انقلابی و توده های مردم، غنی و پربار است که فقط ارائه گوشه ای از آنان اوج انحطاط عقب افتادگی و خیانت با رگی حکومتی را معرفی میکند که حتی توان جلب اعتماد اقلیت هوادار خود را نیز ندارد.

در مورد جناح بندیهای کلاسیک و تاریخی درون حکومت (انجمنیها، خط اما میها) صحبت ها بسیار شده است و تکرار آنها ضرورتی ندارد. پدیده ای که امروز، نسبتا، ابعد جدیدتری پیدا کرده است، طیف بندیهای درونی خط اما میها و اوج گیری تضادها در میان بقیه در صفحه ۲

در کجای راهیم؟

بمناسبت دومین سالگرد انتشار "خندق"

□ دوران همیشه در حرکت طبیعت هم در تکراری وقفه خویش مسیر جهت داری را می پیماید که تکاملش مینامیم. و اما در انسان این تکامل محتاج زمان نیست. میتواند به نیروی خلاق اندیشه و اراده اش، یک تاریخ را تجربه کند، از زمان پیشی گیرد و بدین طریق راهی را که انسان امروز در تجربه قرنهای دریافته است، هموار کند. در صفحه ۵

فصل سوم ارشاد

پیام دانشجویان ارشاد
بمناسبت سالگرد تعطیل
حسینیه ارشاد

در سیزدهمین سالگرد تعطیل حسینیه ارشاد، "دانشجویان ارشاد" در سومین سالگرد انتشار خندق، بار دیگر با درود بر روح پرفتوح معلم با میثاق روز نخست "ارشاد" تجدید عهد میکنند و با ادای سوگند پایداری در این راه، تا نیل به سر منزل مقصود جا معه قسط توحیدی، فصل سوم ارشاد را، که از زمان تعطیل حسینیه، تا کنون با اجتهادها و جهادهای نسل ارشاد تا پیروزی انقلاب و از آن پس توسط پیوندگان مشی آگاهی پیگیری شده است، گرامی میدارند.

بقیه در صفحه ۱۰

ستون ویژه
پیروان راه معلم

همگام با پیا میبرد هجرت
از: "ابلاغ" ارگان کانون
ابلاغ اندیشه های شریعتی

نگاهی به سیاستهای
سازشکارانه خارجی
رژیم مرتجعین
از: خروش موصدا رگان
سازمان موجدین انقلابی

گزارش از وضعیت
بهداشتی و درمان در
جمهوری خمینی
از: الف - ح



سیاست یکی به نعل
یکی به میخ صفحه ۱۲

سلسله مباحث استراتژی (۳) سنت

۲- عدم ذخیره ارزی قابل اطمینان، شک محصولی شدن اقتصاد ایران، سیاسی شدن وزارت خانه‌ها ؛

"از ذخیره ارزی قابل اطمینان خبری نیست و اقتصاد ایران بعد از انقلاب تک محصولی- تر شده و کشور در معرض سقوط اقتصادی و دولت مجموعه ناهماهنگ و ناسالم و وزارت- خانه‌ها ، وزارت سیاسی اند، نه وزارت کار ملی، و خطر فساد عمومی و مواد مخدر یک خطر جدی است".

۳- هم شرقی و هم غربی شدن اقتصاد :

"شعار نه شرقی، نه غربی و استقلال بدلیل هیچ نوع خودکفائی در طول این شش سال به ابتذال کشیده شده و عملاً تبدیل به وابستگی و هم شرقی و هم غربی شده و مسئله صدور انقلاب و کمک مادی و معنوی به مستضعفین جهان حای خود را به صدور پوستر آن هم نه به کشورهای خفقان زده اسلامی بلکه به اروپا و تدریجاً به شعار حمایت سیاسی دیپلماتیک مستضعفین بدل گشته است و به تدریج از این شعار هم مجبوریم دست بکشیم ، چرا که وضع داخل را خرابتر خواهد کرد".

در میان دو جناح خط امامیها و حجتیه‌ها طیف واسطی میتوان برشمرد که میکوشد از یکسو حمایت خمینی را پشت سر خود یدک کشد و از سوی دیگر با توجه به فشارهای اقتصادی و سیاسی جناح مخالف را نیز تحت حمایت قرار دهد.

خامنه‌ای که پس از انتصابش به ریاست جمهوری توسط خمینی و نیز فشارهایی که از طرف جناح رقیب مبنی بر تقویت بخش خصوصی و حذف کنترل دولت در امور اقتصادی وارد میشد در فرصتهای مختلف میکوشید تا زمینه‌های تغییر کابینه موسوی را تدارک ببیند. چرا که از یک سو بر روی حمایت خمینی حساب باز میکرد و به این ترتیب دهان خط امامیها را میبست و از سوی دیگر با دل پری که از "دولت سالاری" کابینه مشتت موسوی داشت و در نتیجه با حمله به آن، میتوانست حمایت جناح رقیب را نیز برای خود خریداری کند.

این حملات برای جناح رقیبی ("انجمنیها")، که پس از مرداد ۶۲، گرفتار تصفیه‌های پی پی موسوی در کابینه و نیز در اکثر وزارت خانه‌ها و شرکتهای تابعه شده بود، مقدم این حملات را گرامی میداشت و امیدتغییراتی را در حکومت و در نتیجه گرفتن امتیازاتی را برای خود وعده میداد.

و اما محور حملات مخالفین خامنه‌ای را به خصوص پس از حملاتش به دولت موسوی و پافشاری وی بر اینکه "جوسازی نکنید تا بتوانم بسا خیال آسوده ، حجت شرعی خویش را تمام کنم" عبارتند از :

آنان استه این بدیده به اصطلاح نوظهور رایکی از نمایندگان مجلس ضد خلقی محمد میرزائیسی اعتراف میکند :

"اما مدتها است مع الاسف در این مجلس توسط، معدودی، نوعی جدید از خط امام ظهور کرده است که به نظر میرسد تا حدودی قائلان آن، وارثان خلف همان انجمنیهای رسوا و لیبرالیسم ورشکسته سابق باشند و شاید آنان شاگردان کم تجربه و کودن این تفکر بودند و شاید استاد هر دو نوع عناصر مرموز پشت پرده دیگری هستند که رندانه رموز را هدایت میکنند، به هر حال این نوع جدید خط امامی بودن ایجاب میکند که افراد علیرغم اطلاع روشن از دیدگاه حضرت امام در امری خاص خود را مجاز به تخطی عملی و گاه حتی به تمسخر آن بلکه شرعاً خود را مکلف به امری جز آن بدانند، با این عناوین که این نظر امام نیست و نظر فلانی است و در صورت اثبات گفته شود حکم نفرمودند تا لازم الاجرا باشد یا اینکه تکلیف امام با ما فرق میکند".

(کیهان - ۲۱ مهر ۶۴)

طبق این اظهارات در میان دو جناح، خط امامیها و حجتیه‌ها، طیف واسطی میتوان برشمرد که میکوشد از یکسو حمایت خمینی را پشت سر خود یدک بکشد و از سوی دیگر با توجه به فشارهای اقتصادی و بحرانهای اجتماعی خواهسته‌های اقتصادی و سیاسی جناح مخالف را نیز تحت حمایت قرار دهد. نشانه‌های این گرایش را با توجه به بحرانهای حکومتی اخیر میتوان در سخنان خامنه‌ای به روشنی مشاهده کرد. حملات پی در پی خامنه‌ای تا قبل از دخالت دست پاچه خمینی مبنی بر تایید کابینه موسوی ، به "دولت سالاری" و شمارش دقیق و آشکار خطایها ، انحرافات و نابسامانیهای سیاسی اقتصادی ناشی از دولت موسوی، این نکته را به خوبی آشکار میسازند :

"ریشه مشکلات امروز ما وابستگی اقتصادی به خارج از این مرزها و منحصر بودن درآمد ما به درآمد حاصل از نفت استه فقدان یک برنامه همه جانبه اقتصادی ، گرایش به دولت سالاری، یکی دیگر از مشکلات ما است که نتایج این مشکلات را در کاهش رشد اقتصادی و گاهی در رشد منفی اقتصادی مشاهده میکنیم". همچنین از خلال نامه سرگشاده‌ای که "جمعیتی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی" به تاریخ ۱۳۶۴/۶/۲۸ به خامنه‌ای نوشته‌اند (۱) میتوان محورهاى عمده حملات خامنه‌ای را به کابینه موسوی اینچنین خلاصه کرد :

۱- عدم توازن بین سطح درآمدهای عمومی مردم به دلیل تورم ، با مخارج روزمره .
 " سطح درآمدهای عمومی مردم بدلیل تورم با مخارج روزانه توازن ندارد و دوگانگی قیمتها ، بدلیل دولتی بودن سیستم توزیع و سهمیه بندیهای بعضی کالاها سبب بسیاری از فسادهای مالی و زمینه برای پر شدن جیب معدودی از خدای خیر شده است".

پیش بسوی سازماندهی مقاومت منفی در راستای

قیام نه‌آزمیز توده‌ها

تشکیلات حزب همه را رهبری میکند... معلوم نیست مشکلات و مصائب و عزل و نصبهای بیجا و اعیاناً اختلاسهای این وزارتخانهها را از چه کسی باید بازخواست کرد؟ و خدا کند آنچه دیگران و اهل فن میگویند که برنامه بوده تا وزارت دفاع و ارتش را هم نمایندگان خرید وزارت سپاه انجام دهند و از این طریق حق کمیسیون، خریدهای چند صد میلیون دلاری نظامی به جیب تعداد مشخصی از شرکاء وزیر سپاه برود و آمار تقریبی اش کسه از دلارهای میلیونی پورسانت ما موران خرید وزیر سپاه در بانکهای خارج میدهند، مفروض به صحت باشد.

بروز روز افزون تضادهای جناحین رژیم و جلوه های علنی و افشاگرانه آن، که هرکدام خود نمونه های بارز و گویایی از ماهیت و عملکرد رژیم استحماری جاگم برای توده ها و صحنه بین المللی بود و نیز چشم انداز متشتت و نامعلومی که خطرات بسیاری را در درجه اول متوجه خود رژیم میساخته خمینی را مجبور به دخالت مستقیم کرد.

آنچه که در میان این کارزار دولتی و پایان نمایی آن به روشنی مشخص است، ناتوانی و درماندگی رژیمی است که بی هرگونه پایگاه اجتماعی و مردمی بی هیچ برنامه دراز مدت اقتصادی سیاسی بدون کمترین ارتباط مستقیم بین المللی، بدون کزچکترین هماهنگی سیاسی - اجتماعی، دولتی در دروون به پایا خود نزدیک میشود.

سرچشمه های اضطراب و دلایل این احساس خطر در صورت تغییر دولت و عارضه هایی را که بدنیا خواهد داشت، در بسیاری از نوشته ها و سخنان نمایندگان و مسئولین رژیم ضد خلقی میتوان خواند:

"اکنون ملت و کشور یکی از بحرانی ترین مواقع تاریخی خود را میگذراند، اشتغال دامنه جنگ و خطر ضربه سیاسی مخازن نفتی تهدیدات نظامی آمریکا، فشارهای اقتصادی، توطئه های خطرناک سیاسی و تحریکات ضد انقلاب از عوامل مهم است که فشار طاقت فرسای آن بر دوش مردم صبور و مظلوم ما سنگینی میکند و تغییر دولت که متاسفانه به قرار مشهود، مستلزم تغییری عظیم در سطح کشور خواهد بود، تزلزلی شدید در ارگان دولت و اداره کشور بوجود خواهد آورد، که مسلماً عواقبی وخیم در بردارد" (۷ مهر، کیهان، نظر خواهی ۱۳۵ نماینده در باره انتخاب دولت جدید)

یکی دیگر از نمایندگان مجلس ضد خلقی نیز به صراحت و ناامیدانه اعتراف میکنند

۱- ایجاد تشتت و عدم هماهنگی در برنامه ریزی های دولتی.

در نامه نمایندگان مجلس به خمینی، دلایل اساسی این عدم هماهنگی را در کار دولتی عمدتاً منتسب به باندبازها و اعمال قدرت از طرف خا منهای خوانده است و میگوید:

"در اینکه... دولت مجموعه ناهماهنگ و ناسالم، و وزارتخانهها، وزارت سیاسی اند، بحثی نیست... اما راه حل نه این بود که شما در این جلسه ضمن قریب دو ساعت سخن فرسائی همه مصائب را معلول پدیده های به نام دولت سالی و نخست وزیر سالی بدانید، این سبک برخورد چه حجت شرعی دارد؟ و چه دردی را دوا خواهد کرد؟... غیر از اینکه اگر آنها هم برای توضیح بیابند همه مشکلات و مصائب را با ذکر و ارائه دلیل و چیدن صغری کبری، نتیجتاً رئیس جمهور سالی و تحصیلات آقای خا منهای بگویند و ادعا کنند، رئیس جمهور در هماهنگی بین سه قوه به جای اینکه نقش فرمان ماشین را داشته باشد، نقش ترمز بی جا و یا گاز بیجا را داشته اند. و خود بهتر میدانید که کمبود ذخیره ارزی سبب نابسامانیها و رکود اقتصادی یک کشور میباشد و این رکود در ایران بر پایه فروش نفت ارزیابی میشود و لابد از مسائل مطروحه در کمیسیون نفت وضعف های این وزارتخانه مستحضرید و اگر این هم نباشد از این که وزیر نفت خودش را وزیر شما میدانند نه وزیر دولت و از درجریان امور گذاشتن نخست وزیر در مسائل نفست مستقیماً خودداری میکند، حتماً مطلعید. مسائل این وزارتخانه ها عملاً به دست شما اداره می شود، نه هیئت دولت و مسئول کسانی که در این وزارتخانه ها حاکم کردن سیاست بازان مرکزیت مال مسلمین کیست؟

در همین رابطه هادی خا منهای نیز انگیزه کسانی را که به دولت سالی حمله میکنند پیروی از استقلال بخش خصوصی میدانند:

"گاهی اشاره میشود که دولت سالی چیزی خوبی نیست و باید از آن اجتناب شود. دولت سالی البته در متن قانون اساسی به تعبیر دیگری مورد اشاره قرار گرفته که باید کاری کرد مسائل اقتصادی کشور با نظارت دولت عملی شود اما نه به آن صورتیکه دولت سالی و کارفرمای بزرگ در آید. عده زیادی که این واژه را به کار میبردند و میبرند، کسانی هستند که نظرشان بیشتر این بوده که به گویند این دولت و دولتهای قبل این کار را میکردند و نظرشان این است که بخش خصوصی دست اندرکار تمامی مسائل اقتصادی کشور باشد منتهی با حربه دولت سالی قصد دارند دولت را حتی از اینکه از حق نظارت خودش هم استفاده کند، محروم کنند، نظر ما این است که به هیچ وجه این گرایش در دولت فعلی وجود نداشته است (کیهان ۶۰ مهر ۶۴)

۲- انحصار امتیازات خرید و فروش سلاح و مسائل نفتی به افراد نزدیک به خود:

"وزارت کشور، وزارت نفت و وزارت خارجه مدعی ارتباط مستقیم با ریاست جمهور هستند و هیچ حسابی به دولت پس نمیدهند، و اگر بخواهیم همچون دیگران همه را به هم ربط بدهیم که میگویند پشت قضا با یک جریان سیاسی است و

تشر میزد که جو نسازید تا بین خود و خدایم نخست وزیر مطلوب را انتخاب کنم . این بود که مزورانه ، پراز فیصله یافتن سریع و پرشتاب و سفارشی انتخاب وزرای کابینه باز هم نقاب قدرت را نمی اندازد :
"امروزه دوره جدیدی شروع شده است و بسه حمدالله کابینه منسجم و مهربانی داریم . من تصور میکنم که با روحیه بخصوص برادران و با توجه به فهرست کارهایی که برای وضع کنونی کشور در اولویت قرار دارد با پیگیری که خواهم کرد . موفقیت خوبی خواهند داشت ."
(کیهان ۸۰ آبان)

به هر تقدیر آنچه که در میانه این کارزار دولتی و پایان نمایی آن به روشنی محسوس است ، ناتوانی و درماندگی رژیم است که بی هرگونه پایگاه اجتماعی و مردمی بی هیچ برنامه درازمدت اقتصادی - سیاسی بدون کمترین ارتباط مستحکم بین المللی بدون کوچکترین هماهنگی سیاسی اجتماعی دولتی در درون به مرزهای پایان خود نزدیک میشود .

و این همه به یمن گسترش اعتراضات علنی هماهنگ و آگاهانه توده های است که در راستای سرنگونی رژیم استعماری حاکم ، به مرحله نوینی از تجربه ، آگاهی و شکل رسیده اند ■
با ورقیها

این نامه توسط موحدین افشا شده است .

سخنی کوتاه از معلم

روشنفکرها همیشه کوشیده اند تا " دیدنیها " را برای توده ، درست و دقیق وصف کنند . این کار همیشه عقیم است . باید ، به توده " دیدن " داد . خودش همه چیز را درست و دقیق خواهد دید . اشتباه دیگر روشن فکر این است که میخواهد همه کار را خودش بکند ، مسئولیت رقبال مردم را اینجور میفهمد که خود را جای مردم بگذارد .

میبینیم که حتی پیامبر ، برای خود چنین مسئولیتی قائل نیست " لیس للرسول الا البلاغ " کسی که دارای رسالت است ، رسالتش جز ابلاغ پیام نیست ! " انما انت مذکر " تو تنها " یادآوری " !

" ادعوا علی بصیره ، انا و من اتبعنی " من به خود آگاهی و بینائی میخوانم ، من و هر که همگام من است !

تو ، بعنوان یک روشن فکر ، مسئولیت در جامعه خفته ، نا آگاه و فلج مطرح است ، اگر مردم به آگاهی انسانی و اجتماعی رسیده باشند دیگر مسئله تعهد روشن فکر ، هنر متعهد ، ادب متعهد ، مورد ندارد ، مردم اگر بسه بلوغ رسند ، قیّم لازم ندارند .

ص ۱۲۷۵ - گفتگوهای تنهایی ۲

که هرگونه تغییر ، تنها توقعات بیجا و واهی ایجاد میکند ، توقعاتی که اساسا غیر قابل تحقق است و در توان جمهوری اسلامی میباشد

" بنده معتقدم نخست وزیر هرکسی که باشد موفق به حل مشکلات کشور نخواهد بود . نخست وزیر آینده یا هم سنگ آقای موسوی خواهد بود یا ضعیفتر و یا احتمالا قدری قویتر ، آن وقت چه ، پس مردم نسبت به روند جمهوری اسلامی بروز خواهد کرد ؟ که این دولت جمهوری اسلامی هرکس را که سرکار می آورد توان حل مشکلات را

نداشت و بنابراین باید امید را از دولت جمهوری اسلامی شست " . (کیهان ۷ مهر)

از همین رو است که خمینی به چندین دلیل خود را " موظف " به دخالت مستقیم در امر انتخاب نخست وزیر میدانم ؛

۱- هرگونه زمینه سازی برای تغییر کابینه مساوی است با برانگیخته شدن خواسته ها و انتظارات جدید . امری که خود بهتر از هر کسی بر ناتوانی رژیم رو به احتضارش برای تحقق آن آگاه است

۲- ایجاد تعادل قوا بین دو جناح قدرت در ، بزنگاه های بروز بحران رقابتی بین جناحین این انگیزه دوگانه را در متن تاییدنامه اش به صراحت بیان میکند :

" اینجانب چون " خود را موظف به اظهار نظر " میدانم ... در وضع بسیار پیچیده کشور دولت ایشان را موفق میدانم و در حال حاضر تغییر آن را صلاح نمیدانم " . در بند اول ، نامه حکم قطعی خویش را صادر کرده است تا به اصطلاح نقطه پایانی برای افشاگری های متقابل اعلام کند . مهمترین عارضه این حکم عقب نشینی اکثریت نمایندگان مجلس ضد خلقی و بسیاری از مخالفین دولت موسوی است . به طوری که بسیاری از نمایندگان مجلس ، طی نامه ای به خمینی ، نامه جمعی از نمایندگان ، مجلس " امضاء محفوظ " محکوم میکنند و ایمن خود مستمسکی میشود برای " خطا ما میها " تا جناح رقیب را از میدان بدر کنند .

جناح رقیب که یگانگت نام سیاسی را زمینه میجد ، خلع سلاح و ناتوان ، با ردیگر ، کناره گیری میکند . هر چند خمینی طبق سیاست یکمی به میخ ، یکی به تخته ، و نیز برای حفظ فرمالیته جا را برای خائنه ای باز میگذارد :
" ولی حق انتخاب با آقای رئیس جمهور و مجلس شورای اسلامی محترم است " .

خائنه ای که توسط این دخالت ناگهانی خمینی بلوکه شده بود و راه دیگری به جز سر سپردن و معرفی موسوی نداشته مجبور به عوض کردن صحنه شد تا ناتوانی و بی قدرتی خود را لایوشی کند .

این قدرت نمایی به خصوص از آنجا ضروری مینمود که تا قبل از ورود خمینی به صحنه وی از استقلال خود در انتخاب نخست وزیرش بسیار دم میزد و حتی به مطبوعات و نمایندگان

دنباله مقاله در کجای راهیم ؟

یک حرکت انقلابی نیز، چنین قانونمندی را پذیراسته یک حرکت که بر اساس ایدئولوژی آرمانها، اهداف مشخص اجتماعی خویش شکل میگیرد، محتاج یک استراتژی روشن، شیوه‌ها و روشها نیست تا ضمن "انطباق" خویش با شرایط اجتماعی، دست به یک تغییر بنیادین نیز زند. از این رو برای هر تغییری، لزوماً بایستی یک پروسه انطباق را گذرانند. انطباق از آنرو که امکان ارتباط با جامعه خویش را بیابیم. انقلاب تنها پس از این ارتباط ریشه دار و یگانه میان روشنفکر و مردم است که امکانپذیر خواهد بود. چنین ارتباطی در گرو کشف و فهم و به کارگیری سه پایه اساسی هر اجتماعی است.

نخست زبان، دوم فرهنگ و نهایتاً تاریخ زیرا که روشنفکر به تعبیر شریعتی انسان آگاهی است که قبل از هر چیز، جامعه، زمان و زبان مردم خویش را خوب می‌شناسد.

۱- زمان (تاریخ)
عدم درک "زمان اجتماعی" و یگانه انگاشتنش با زمان تاریخی غالباً روشنفکر را در تشخیص

و نخستین مسئولیت روشنفکر، اگر که در میان دو راهی خود و خلق، مردم را برگزینند شناخت این مجهول غامض است. تنها پس از این شناخت و این ارتباط است که برای تغییر جامعه و برای تحقق آرمانهای ایدئولوژیکی که بنیان حرکت است میتوان به مبارزه برخاست، چه به گفته هایدگر، "هرچه را می‌شناسیم، جزئی از وجود ما میشود"، از اینرو مقدمه هر تغییر و انقلابی، شناخت است و کشف راه بکارگیری این شناخت "ارتباط". در مرحله پس از شناخت یعنی زمانی که میخواهیم، آگاهی مان را به استخدام انقلاب بگیریم، مسئله اولیه، مسئله چگونگی است استراتژی، یعنی مبارزه که وسیله ایجاد هر نوع تغییری است چه شکل و برنامه عملی دارد؟ اساسی ترین مسائل بحث استراتژی اینهاست ۱- جهت مبارزه ۲- مرحله مبارزه ۳- برنامه عمل (۴) و پس از این همه ارائه بیان، یعنی جمع بندی، از نخستین گامهای که جهت تحقق استراتژی برداشته ایم.

و اما حرکت دو ساله ما، "دانشجویان ارشاد"، در واقع از چنین مراجهی گذر کرده است. در این مقاله، از این نظر که این دوره در واقع سرفصل جدیدی در حرکت ما است که آغاز میشود، می‌گوئیم تا با طرح فرمولوار با سخها، خطوط عام برنامه عمل، و ارائه سرخطهای بیان کارمان، در این سه مرحله، تجربه دو ساله خویش را جمع بندی کنیم.

پس در یک کلام باید بگوئیم از نظرایدئولوژیک راه حل اجتماعی ما در مبارزه خویش چیست؟ برنامه عمل ما کدام است؟ چه مراجهی برای تحقق این برنامه طی کرده ایم (بی بیان)

تنها تضمین دمکراسی، آگاهی است

ایدئولوژی ما که با جهان بینی دینی عرفانی (توحید وجود) و اسلام محمدی (بکارگیری سنت به مثابه یک متدولوژی) و تشیع علوی (ترکیب هماهنگی میان دموکراسی، سوسیالیزم عرفان) نام گرفته و طرح شده است در واقع در طرح "رسانس" نه تنها در ایدئولوژی که از نظر تاریخی نیز و خصوصاً از نظر شیوه کار یعنی "اصلاح مذهبی"، شاخصه اساسی خویش را یافته است تا کید ما بر "رسانس" و "اصلاح مذهبی"، نه برای تلاش در جهت تطبیق اسلام با جامعه سرمایه داری وابسته ایران (۲). که جهت ایجاد همان پروسه انطباقی است که در مقدمه نخست بدان اشاره کردیم. هدف ما چیست؟ "رسالت روشنفکر، آگاهی دادن به توده است و پرورش انقلابی و اجتماعی روح و اندیشه او. مجهول ما چیست برای آگاهی کردن و پروردن یک فرد یا جمع، نخست باید راه ارتباط با او را شناخت سپس مجهول ما این است که ما مردم

ایدئولوژی ما که با جهان بینی دینی عرفانی (توحید وجود) و اسلام محمدی (بکارگیری سنت به مثابه یک متدولوژی) و تشیع علوی (ترکیب هماهنگی میان دموکراسی، سوسیالیزم، عرفان) نام گرفته و طرح شده است در واقع در طرح رسانس، نه تنها در ایدئولوژی که از نظر شیوه کار، یعنی "اصلاح مذهبی"، شاخصه اساسی خویش را یافته است.

رسالت خویش به بیراهه گشانده. از اینرو روشنفکر در نخستین گام ایفای رسالت خویش باید تعیین کند که جامعه اش از نظر زمان اجتماع در چه دوره ای به سر میبرد (۱).

۲- فرهنگ عبارت است از مجموعه ساخته های معنوی یک ملت، که در طول تاریخ محتوایش فراهم آمده و شکل گرفته است. این شکل "وجدان" یا "روح"، جامعه بدان میبخشد و بنا بر این هر فرهنگی مستقیماً با تقدیر تاریخی و زیربنای اجتماعی ویژه آن پیوندی علی بنیست معلولی و رابطه متقابل دارد.

۳- زبان: زبان وسیله ارتباط ما با توده ها است از اینرو اگر که ما حتی در تشخیص زمان اجتماعی و فرهنگ تاریخی خویش نیز به خطا نرفته باشیم اگر که فرم متناسب با آن و زبان هماهنگ با متن مردم و هم محتوای رسالت خویش را نیابیم در ادای وظیفه خود ناتوان خواهیم ماند. چه آنکه بیداری و هدایت مردم خویش را تعهد کرده است باید با زبان آنان سخن بگوید.

از این رو پس از ۳۰ خرداد ۶۰، حرکت شریعتی هرچند مقطعی، نقش حاشیه‌ای گرفت و تعیین‌مشی ویژه خویش و تحقق آن را در جنبش با تاخیر

روبرو نمود و از این نظر ما شاهد "جذب خطی" برخی از نیروها، که عمدتاً بر ضرورت مبارزه با همه‌جانبه با رژیم پامیفشردند، به‌دیگر جریان‌ات انقلابی که در متن مبارزه از قسدرت عمل بیشتری برخوردار بودند، بودیم و هم‌در پاره‌ای موارد "انفعال". از اینرو، مهمترین رسالت خود را در واقع بازیابی "زبان واحدی" میدانستیم که تحلیلهای سیاسی مواضع خط شریعتی، مرزهای حرکت ما با دیگر جریان‌ات و شعارهای محوری روز را گویا باشد. سپس نخستین بندبرنامه ما، نخستین گامی که رهگشای فصل جدید حرکتمان میشد، انتشار یک "ارگان" میدانستیم، ارگانی که بتواند در عین حال که نقش خط دهندگی را در کل حرکت عهده‌دار می‌شود، محوری جهت شکل نیروهای این‌مشی نیز باشد. و "خندق" پاسخ ما به چنین ضرورتی بود.

خط سیاسی: انتشار ارگان

در جمع‌بندی سال گذشته، به تحلیل و ارزش‌یابی نقش خندق در رسالتی که برعهده‌اش بود، پرداختیم. در اینجا تنها بدین اکتفا نمیکنیم که انتشار ارگان در واقع "عمده‌ترین" مسئولیت ما در سال نخست حرکت بود. از این رو در عین حال که "دانشجویان ارشاد" خود، از نظر سابقه تشکیلاتی، خطی سیاسی، دارای یافت هماهنگ و متشکلی بود، اما خندق بمثابه ارگان این جمع، کادر گسترده‌تری را برای خویش برگزید و نقش فراگیرتری را دارا بود انعکاس اخبار و فعالیت‌های کلیه گروه‌های پیرو خط شریعتی در آغاز، و بازگشایی ستون ویژه پیروان... در واقع به چنین نقشی جایگاه ویژه خود را میداد.

تجربه دوساله انتشار خندق که از اساس به مثابه پاسخ ما، به چنین ضرورت و خطی بود، امروز از نظر ما، غنی است. بیلان کار نشریه، روشنگر است که توانسته است به حداقل اهداف اولیه و وظایف لازم، که از انتشار ارگان پی می‌گرفتیم، پاسخ گوید. اگر ما هدف خود را از انتشار ارگان، ارائه سیماتیک و جهت‌بخش مواضع سیاسی، در همه‌جوه (حاکمیت، مردم، نیروهای اپوزیسیون و طیف‌بندیهای مختلف آن، مسئله آلترناتیو و استراتژیهای مختلفه، جایگاه ما در جنبش... روشن نمودن) خطوط استراتژیک" راه، (خط مشی ما، اشکال محوری تداوم این‌مشی در شرایط کنونی، ذرقیاس با استراتژیهای دیگر نیروهای انقلابی) و نهایتاً ارائه عمده‌ترین مبانی مشترک ایدئولوژیک در خط شریعتی" میدانستیم

از چه راه باید تمایز گرفت؟ با چه زبان باید جرف زد؟ مذهب...
"من معتقدم که باید از طریق دیدن در وحدان فردی و اجتماعی یک جامعه مدهبی حلول کرد و او را بیدار نمود، با اوزبان و احساس مشترک یافت و حرف زد. این تنها راه ممکنست و تجربه‌های بسیاری نیز آنرا ثابت کرده است" (۴)

پس مذهب راه انتخاب ماست اما مشی ما در تداوم این راه، "آگاه‌هیبخشی" است. یعنی از خلال یک انقلاب بنیادین ایدئولوژیک، جامعه را به آن سطح از آگاهی و استقلال فکری برسانیم تا دموکراسی ایده‌آلمان در چنین نظامی تضمین تحقق و بقا، یابد. چه، فکر آزاد است که جامعه آزاد می‌طلبد. فکر بسته و وابسته، یک نظام و جامعه آزاد را نیز به دور و تسلسل ارتجاع و استبداد، باز خواهد گرداند. که تنها تضمین دموکراسی، آگاهی است.

فکر آزاد است که جامعه آزاد می‌طلبد فکر

بسته و وابسته یک نظام و جامعه آزاد را نیز به دور تسلسل ارتجاع و استبداد، باز خواهد گرداند، که تنها تضمین دموکراسی، آگاهی است.

چنین مشی‌ای، در شرایط سرکوب مطالبه و اختناق بی‌سابقه پس از خرداد ۶۰، محتاج یک بازنگری عمیق جهت تطبیق با شرایط موجود و اتخاذ اشکال، تاکتیکها و طرق خاص خود بود تا پیرو مشی آگاهی با بکارگیری آن، بتواند "خط" را در تمامیت خویش حفظ نموده و تحقق بخشد.

در تحلیلهای شماره‌های پیشین به تفصیل توضیح دادیم که چه عواملی منجر شد که سازمان‌های محوری خط شریعتی از اولین تهاجمات رژیم، ضربه خورده و مهمترین عنوان مهمترین عارضه سرکوب در حرکت مشهود شود. منظور از "تشتت خطی" عدم آمادگیی توانمند برای پاسخگویی به مسائل جنبش هم از نقطه نظر سیاسی و هم استراتژیک بود.

مسئله "جبهه واحد عمل مبارزاتی میان‌کلیه نیروهای انقلابی" و مشخصاً "شورای ملی مقاومت"، تنظیم روابط مستقل و اصولی با دیگر سازمانها انقلابی درگیر مبارزه، تاکتیکها و اشکال خاص مشی آگاهی، شعار محوری جنبش دوشی ما... همه نقاط سؤال و ابهاماتی بودند که بدلیل قطع رابطه نیروها با مرکزیت تشکلات خویش بی‌جواب مانده بود.

وحدت عمل نیروهای مستقل در جبهه مشترک آزادیبخش
ضرورت مرحله آگاه‌هیبخش کنونی است.

یعنی اعتقاد به مبارزه مسلحانه بعنوان استر-
تژی مخوری ، از نظر ما مورد پذیرش نبوده
اصولا نخواهد توانست راه حلی موثر برای
پاسخگویی به معضل " اتحاد " که نیروی جنبش
در نتیجه فقدان آن به ضعف و ناتوانی گشائنده
میشود ، باشد .

از اینرو ما به کار مستقل خود روی آورده و
در این رابطه جهت هماهنگی مبارزاتی با دیگر
نیروهای جنبش به مشارکت در اتحاد عملی دست
زدیم که گرچه از نظر تاثیر ، توانمندی ، راه گشائنده
نمیدانستیم اما از اینرو که فرصتی را جهت
هماهنگی فراهم مینمود در مجموع مثبت ارزیابی
میکردیم .

سازماندهی حرکت شریعتی : ضرورت اتحاد

مسئله سازماندهی و تشکل پیروان راه معلم
از اساسی ترین مسائلی بود که پس از تشکیل
" خندق " و تدقیق هرچه بیشتر " خط " در تمام
میت خویش میبایست بدان پرداخت در این رابطه
مقدمترین مسئله ارزیابی دقیق نیروهای راه
شریعتی وابسته به تشکلات گوناگون بود . وگزینش
کادر ری که بتواند در عین انسجام خطی و تشکیلاتی
خویش این نیروها را در خود سازمان دهد .
و اما واقعیت تنوع تشکلات گوناگون
در حرکت شریعتی که اعتراف بدان ما را از " دام "
سکتاریسم گروهی میرهاند با طرح و تاکید بر
ضرورت اتحاد میان تشکلات و هماهنگی سیاسی

استراتژیک در حرکتشان ، در واقع از دام دیگری
که همان غلبیدن بنوعی دمکراتیزم بی دروپیگر
و در نتیجه ناتوان بود ، بر حذرمان میداشت و راه
اصولی دیگری را از این میان جستجو میکرد .
در عین حال که همواره " تشکل واحد " در کل
حرکت شریعتی بعنوان یک ضرورت عالی طرح میشد
و شرایط جنبش نیز بر چنین شرایطی تاکید میورد .
زید اما به تجربه دریافته بودیم که چنین
تشکلی الزاما محصول گذار از یک پروژه کیفی
تبادل مشترک نظری (مواضع سیاسی و مبانی
ایدئولوژیک) و همکاری عملی میان کلیه
سازمانهای مخوری خط شریعتی است .

اشکال شناخته شده چنین سازماندهی ، حرکت
در یک کادر حزبی یا کادر جبهه ای بود . مساله
حزب که از اساس حرکت ما به عنوان عالیترین
شکل سازماندهی طرح شده بود ، در گرو برخورداری
از یک پشتوانه مشترک جهت ارائه مبانی
ایدئولوژیک ، خطوط سیاسی استراتژیک پس
ریزی ساختمان تشکیلاتی واحدی میان کلیه
نیروهای طراز مکتب و مشخصا پیروان مشی آگاهی
بخشی بود . اما متأسفانه شرایط سیاسی موجود
و اختناق حاکم که ضربه خوردن اغلب تشکلات مخوری
راه شریعتی را بدنبال داشت ، فضای لازم برای
تحقق چنین امری را در کوتاه مدت بسته بود و از
اینرو امکان فعالیت در چنین کادری عملی ناممکن
مینمود . از دیگر سو حرکت جبهه ای (یعنی تشکل
اولیه اتحاد و به روند تعمیق و توسعه گشاندن آن)
نیز در عین حال که متناسب ترین " خصلت عمل "
جهت اتحاد بود اما از این نظر که امکان شمولیت
و فراگیری در کل راه شریعتی را نداشت عملاً در
گستردهگی جبهه ، و در تناسب با واقعیت موجود
نیروهای ترکیب دهنده آن نبود .

خندق در مدت کوتاه انتشار خویش توانست
هر چند نه در محدوده و نه به میزانی که خود
انتظار داشتیم ، در این جهت راهگشا باشد .

مسئله اساسی دیگری که برای تدقیق و
کارآئی هرچه بیشتر خط ، موضعگیری و پاسخ
نهائی بدان را بیش از پیش ضروری مینمود
مسئله جبهه واحد عمل مبارزاتی میان نیروها

انقلابی بود ، این ضرورت که بدان از جانب
سازمان مجاهدین خلق با طرح " شورای ملی مقاومت "
و " آژانس " برنامهنویسی و

ایجاد بافت و ترکیبی مختص به خود (هماهنگ با
برنامه) پاسخ گفته شده بود ، بدلیل نخست ،
نقش محوری مجاهدین خلق در آن مقطع و اعتبار
مبارزاتی که این سازمان از آن برخوردار بود
و خصوصا ضرورتی که جنبش را بر لزوم چنین
اتحاد عملی در جهت سرنگونی " دیکتاتوری
استعماری حاکم " ملزم میساخت ، بعنوان
راه حلی جدی در برابر کلیه نیروهای انقلابی
نهاد شد و در نتیجه پیرومی آگاهی نیز میبایست
موضع خود را در برابر آن روشن نماید . از این
رو ما در عین حال که همواره بر کار مستقل خویش
در همه وجوه آن (ایدئولوژیک ، سیاسی ، استر-
تژیک و بالخصوص تشکیلاتی) تاکید داشته ایم ، اما در
آن مقطع ، پاسخ به معادله ای که از جانب مجا-
هدین جهت حل معضل سرنگونی ، در جنبش طرح شده
بود را در هر دو وظایف سیاسی خویش قرار دادیم .

مذهب راه انتخاب ماست ، اما مشی مادر
تداوم این راه آگاهی بخشی است .
یعنی از خلال یک انقلاب بنیادین
ایدئولوژیک جامعه را به آن سطح از
آگاهی و استقلال فکری برسانیم تا
دمکراسی ایده آلمان در چنین نظامی
تضمین و تحقق بقاء یابد .

اما با روشنتر شدن هویت ، برنامه ، ترکیب و
بافت مشی استراتژیک که شورای ملی مقاومت ،
در پیش برد امر مبارزه قائل شد و در برنامه
شورای ملی مقاومت و خصوصا مصاحبات مسعود رجوی
در سلسله مقالات نشریه اتحادیه انجمنها ،
تحت عنوان " اصولی کیست ؟ " انعکاس یافت
دریافتیم که قطع نظر از انتقاداتی که به
برنامه شورا وارد میدانستیم ، شورای ملی
مقاومت اولاً بدلیل (هویت ، نقش و ترکیب دولتی
که برای خود قائل است و از آن برخوردار ، نخواهد
توانست پاسخی مؤثر به ضرورت ایجاد جبهه واحد
عمل مبارزاتی میان کلیه نیروهای انقلابی در
درون جنبش باشد - چرا که مالدولت را پاسخ
نیازهای آن مقطع جنبش میدانستیم - .

از نظر ما تشکیل آلترناتیو دولتی خاص
زمانی است که جنبش در اعتلاء مبارزه خویش
چشم انداز کمب قدرت سیاسی را نزدیک ببیند
(رجوع شونده مقالات خندق ۴ تحت عنوان گاهی
به شورای ملی مقاومت و خندق شماره ۱۲ مقاله
دولت یا جبهه) در ثانی ، معیاری که از جانب مسو-
ل شورا مبنای اصولیت نیروها قرار گرفته بود

سلسله مباحث استراتژی (۳)

سنت

وشیوه آغاز و منحنی سیر رفتار و تاکتیکش در یک عمل".

بنابراین، سنته اولین مفسر اصیل قرآن عبارتست از قوانین (اصول) و پروسه‌های (مراحل) تحقق ایدئولوژی (اسلام)، که، "چه باید کرد"، "از کجا آغاز کنیم" ویر "مبنای چه برنامه‌ای را می‌آموزد.

کردارشناسی پیامبر نیز همچون گفتارشناسی وی (علم حدیث)، محتاج یک غوررسی و تصفیه کامل متون و منابع تاریخی است. در این زمینه نیز، حتی اسناد موثق تاریخی خالی از اشکال نیستند. (۳)

پس که بیستند بر او برگ و ساز
گرتو ببینی نشناسیش ساز

و اما بعد سومی که شریعتی به فرمول کلاسیک؛ فعل و قول و تقریر معصوم "میا فراید، یعنی "روش - شناسی مبارزه پیامبر"، عبارتست از:

"متدکار محمد، در تحقق رسالت و تغییر نظام ها و نهادهای اجتماعی، تحول فکری، انقلاب در سنتهای اجتماعی و رهبری مردم و جبهه‌گیریها و شروع برخوردها و درگیریها و شیوه آغاز و منحنی سیر رفتار و تاکتیکش در عمل".

در زمینه شناخت این متدلوژی ما میتوانیم از آثار معلم (بیوژنه مجموعه ۳۰ - اسلامشناسی) بعنوان "سکوی پرش" مددگیریم و "پس از آشنایی با این نظرات از طریق کتب سیره و مغزوات) و تاریخ اسلام عرب، اطلاعات خویش را تکمیل کنیم. از آنجا که هدف ما از این "سلسله مباحث"

تحقیق در سیره و سنت نبی و عترت ائمه، برای مایه‌گیری از اصول عقیدتی، در جهت تعمیق و تبیین ایدئولوژیک "استراتژی" این مرحله از انقلاب، یعنی مرحله دمکراتیک - آگامی بخش (با جهتگیری طبقاتی)، در برابر دیکتاتوری استعماری - استثماری فقها (رژیم خمینی)، در کادرتضاد عمده ضد امپریالیستی (وپایگاه داخلی آن میباشد، اساسا با طرح این مبانی در جستجوی حل مبنائی، مبتلا، به جنبش هستیم. در این راستا یا سخگویی به سئوالات عمده ذیل ضروریست:

۱- تحلیل "مرحله‌شناسی بعثت":

شناخت شرائط عینی جامعه قبائلی و استثماری بردگان و رژیم اشرافی قریش.

و شرائط ذهنی جاهلیت و شرک و نیز جنبش توحیدی اسلام.

و شرائط ملی شبه جزیره در تضاد با شرائط جهانی حاکمیت دوا بر قدرت روم و ایران.

تحلیل رزندهائی چون جنبش "حنفا"، در تداوم ادیان ابراهیمی، بهود و مسیحیت.

جمع آوری و طبقه‌بندی کلیه فاکتها، ساختارها و عملکردها و روندهای مشخص جامعه و جنبش "ما - قبل بعثت" و دوران "خودسازی و کسب صلاحیت"

پیامبر تا دوران دریافت "وحی" و مرحله‌بندی استراتژیک دورانهای مکی (عقیدتی و

... گفتیم که محتوای یک استراتژی کامل عبارت است از: شناسایی جهت عمده مبارزه تجلیل مشخص از مرحله انقلاب تدوین برنامه عمل و تعیین بافت جزب.

حالا توجه به این محتوا، باید دید، چگونه میتوان از خلال سلسله مشی‌های پویا و ناسخ یکدیگر به یک نظم و توالی ثابت که پایه اسلوب و قواعد رهبری صحیح را در عمل نشان دهند، پی برد؟ طبق کدام ملاک قابل آزمایش در واقعیت خارج ذهن میتوان از این سنت در تدوین استراتژی کنونی مبارزه، سود جست؟ آیا اصولا علم رهبری عقیدتی (استراتژی) تاکتیک مبتنی بر کتبات (سنت) در عصر غیبت تا چه اندازه پیشرفته و قابل اتکاء است؟ و خلاصه، چه قالب مشخصی را برای تحلیل ما از شرایط فراهم می‌آورد؟ و ما را در برابر کدام مسئولیتها و وظائف قرار میدهد؟ در مقاله "اجتهاد یا انقلاب دائم"، دومین رکن اجتهاد یا "سنت" را از دیدگاه شریعتی چنین تعریف کردیم:

"سنت یا متدولوژی فکری - اجتماعی پیامبر (استراتژی - تاکتیکها) عبارتست از:

۱- قول و حدیث (سخنان و رهنمودهای محمد): علم حدیث شناسی، که محتاج شناخت علمی اسناد تاریخی است و شامل رشته‌های: الف - علم روایت شناسی.

ب - علم رجال (بیوگرافی و شجره شناسی کلیه کسانی که حدیث را نسل به نسل به ما رسانده - اند). (۱)

ج - علم درایت (تشخیص و هوشیاری در فهم علمی، منطقی و عقلی احادیث و روایات).

از آنجا که این علوم (حدیث، روایت شناسی، درایت، رجال)، جزء علوم انسانی (غیر دقیق) هستند، باید از آخرین تجارب این رشته‌ها (سبک شناسی ادبی و آخرین متدهای علوم تجربی) بیاموزند.

مهمترین مسئله در این زمینه، تسوان تشخیص احادیث صحیح از سقیم است. با توجه به روحیه اخباریگری حاکم بر حوزه‌های علمیه، تصفیه احادیث ضرورتی مدجندان میباشد (۲)

در رجال، معیار عام ما، همان اصل ضرورت تطبیق حدیث با قرآن است که به گفته پیامبر:

بوه علی الجدار و آنرا به دیوار بکوبید.

۲- فعل و عمل: شامل سه نوع عمل پیامبر:

الف - تأسیسی: (که خود بنیانگذارده است).

ب - امضائی: (که آنرا رسماً تصویب کرده است).

ج - تأییدی: (که در محیطش انجام شده و نهی نکرده و عملاً تقریر نموده است).

۳- متدلوژی: "متدکار محمد در تحقق رسالت و تغییر نظامها و نهادهای اجتماعی، تحول فکری انقلاب در سنتهای اجتماعی و رهبری مردم و جبهه‌گیریها و نوع برخوردها و درگیریها"

پاورقی ها

۱- درجوزه های علمیه، در حال حاضر، ۴ کتاب طبقات: اختیارالمعرفه الرجال، رجال شعی، رجال علامه جلی رجال طوسی و یک کتاب دیگر مورد مطالعه قرار میگیرند.

۲- انتشار مجموعه صحیح الکافی در بیروت بهبودی - ۶۲ که دست به گزینش اجادیت صحیح از میان هزاران حدیث ضعیف زده است نمونه ای ارزنده ای در این رابطه میباشد و (همچنین مجموعه الجیاه).

۳- برای نمونه قدیمیترین ماخذ تاریخی، یکی وقایعنامه سنوس (از قدیمیترین ماخذ بیگانه در احوال پیامبر) است که نهایت اختصاراً دارد، دیگری رساله ثنی کوتاه از عروه بن زبیر در باب جنگ بدر که آنرا به تقاضای خلیفه عبدالملک انوی (که جد آنها بزرگترین دشمن مجتهد و سلمین بود) نوشته است و بنا بر مسموعات خود، دیگری "مغازی موسی بن عقبه" است و امروز جز بعضی قطعات از آن در دست نیست و از همه مهمتر المغازی محمد بن اسحاق (۱۵۰ ق) است، که برای منصور خلیفه، تالیف کرده است. (۴) هر چند کتاب ابن اسحاق یا سیره ابن هشام (خلاصه آن) با تطبیق دادن به قرآن و تکمیل نمودن آن با کتاب واقدی و طبری و طبقات ابن سعد و اسد الغابه ابن اثیر و اصابه ابن حجر و... میتوان یک سری متون پایه ای را در تحقیق فراهم سازد. احتیاط علمی حکم میکند که به گرایشات عقیدتی و وابستگیهای سیاسی مولفان که موجب برخی مسامحه ها و کسر اعتبارها در آنها، گردیده، توجه کرد. در نظر نگرفتن شرایط مشخص تاریخی وضعیت اقتصادی، اقلیمی، اجتماعی، قضایا و کردن غیر علمی در مورد گذشته با معیارهای عصر حاضر (بیماری آنارونیسم) ندیدن تضاد های درونی مقاطع، عدم توجه به گرایشات سیاسی مذهبی مورخین و خلاصه فقدان یک متدولوژی علمی در اسلامشناسی تاریخی، در بسیاری موارد (بویژه اگر با اغراض خاصی توأم شود) میتواند محقق را در شناسایی صحیح از عمل پیامبر سردرگم سازد.

دنیاله مقاله در کجای راهیم؟ از ص ۱۸

هم آزادمنشانه ترین شیوه نقد و ارتقاء در بروسه تجانس حربی .
هم پیگیرترین تلاش در تعمیق رنسانس عقیدتی. هم متحد و گسترده ترین مفوف در مبارزه . پاورقیها

- ۱- رجوع کنید به مقاله "قرون وسطای رنسانس انقلاب خندق- ۲۳"
۲- رجوع کنید به مقاله "استراتژی خندق (۲۲ - ۲۳)"
۳- کار، ارگان سازمان "جریکهای فدائی خلق ایران" شماره ۱۸۵

تبلیغی - تشکیلاتی) و مدنی (سیاسی - نظامی) تا مرحله فتح نهائی و معرفی رهبری جانشین علی (وصایت غدیری).

۲- مفهوم "خط مشی های ابلاغی و جهاد مدنی": طرح اهداف (در امدت و کوتاه مدت) و جهت اصلی و فرعی انقلاب، وسیع استفاده از تضادهای درونی قبائل مشرک و در تیررس قرار دادن ضعیفترین نقاط ضعف کفار و مشرکین و... تکیه استراتژیک بر نیروهای بالنده اصلی و دائمی "خودی" یا مستضعفان زمان: بردگان و ایجساد گسترده ترین اتحاد عمل با نیروهای مساعدینا - بینی فرعی و موقت (جذب قطبها و قبائل بحسب هژمونی رهبری رسول)، جهت استخدام تمام "تمام توان" ممکن علیه تضاد اصلی (ولایت سفیانی - اموی، اشرافیت قریشی)، به منظور منزوی ساختن نهائی و براندازی آن.

۳- نحوه "برنامه ریزی برای عمل": سبک آغاز "دعوت" و طرح "شعار" ها و ارزیابی نقشه کلی آمیزش اشکال متنوع مبارزه و وجه غالب "خط" در هر مرحله و ترمیم چشم اندازها و چگونگی گزینش قاطعانه "لحظات آغاز" مناسب برای ضربات و شکل طراحی هماهنگ ارتباطات و تدارک ابزارها و امکانات و جمع بستها و تراز بندی بیلان عملیات. (بینامنها، بیعتها، غزوات، و مذاکرات، صلح نامه ها، نامه نگاریها و اسلا- فها و...)

۴- سبک نساجی بافت حزبی: نحوه دعوت و فراخواندن اعضاء امت به اسلام از نزدیکترین خویشاوندان (عشیرتک الاقربین) و بردگان تا قطبها و شخصیتهای ذینفوذ و کارساز، و از تشکیل هسته اولیه صحابه و اولین گروههای گرونده تا مهاجرین و انصار و پیمان برادری تمامیت امت در مدینه، تا خاکمیت سزاسری بافت حزب موحدین بر کلیه قبائل در کل عربستان و شکل تقسیم کار و مسئولیت به گروهها و حل مسائل به شکل جمعی و صور سازماندهی و کادرسازی در هر زمینه.

همانگونه که میدانیم قرآن خود در سراسر این استراتژی جاری است و "علم اسباب النزول" ما را در فهم "جای - گاه" آیات چنان مژدمیسر - ساند که منهای آن اصولا شناخت انتزاعی قرآنی امکان پذیر نخواهد بود. بنا بر این تمامی قانو - مندیهای حاکم بر آیات قرآن - از قبیل "محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، عام و خاص، مطلق و مقید" (و حلال و حرام و فریضه و فضیلت، رخصت و عزیمت، عبرت و مثل)، بر متن استراتژی سوار میشوند. از اینرو، مبنا و مبنای "سیره" را تنها با "قرآن شناسی" میتوان به تفسیر نشست.

سیس باید به ترسیم کل بهم پیوسته مجموعه معماری بنای استراتژی نبوی نشست، خط غالب بر هر مرحله یا نقش محوری تاکتیک هر برهه را از میان خطوط جنبی تکمیلی استخراج نمود. مقصدنهایی درجاده خط مشی و روش پیشرفت و چارچوب های متفاوت مراحل (مکی - مدنی) از لحاظ محتوای عملی استراتژیک و فرم تاکتیکی سازماندهی شان را تفکیک کرد و بر اساس این محتوای کار به عنوان میزان سنخ تمامی فرمهای مبارزاتی و سازمانی یا تاکتیکیها، در چهارگانیک بودن اینهمه را با هم و با هدف سنجید

فصل سوم ارشاد

پیام دانشجویان ارشاد بمناسبت
سیزدهمین سالگرد تعطیل
حسینیه ارشاد، آبان ماه ۵۱

* - * *

" بیشک نهضت اجتماعی فردای ما... نهضتی خواهد بود بر پایه اسلام بیدار مترقی و حزبی، با ایدئولوژی تشیع علوی ". حسینیه ارشاد، بنیاد یک "حزب" میشود، حزبی که تشیع علوی را به عنوان ایدئولوژی خود انتخاب کرده است... و چنین اسلامی و تشیعی رانه تنها بعنوان یک ایمان قلبی دینی و یا یک فرقه خاص مذهبی، بلکه به عنوان یک ایدئولوژی کامل و غنی و مترقی و نیرومند در یک حزب، "حزب خدائی خلق"، انتخاب میکند.

" حسینیه ارشادی که شما چند سال پیش ساختید، ذوب شد، با کیمیاگری اعجاز آمیز خدائی تبدیل ماهیت یافت، یک نهضت شد، و عشق و عقیده و فکر و مسئولیت و راه و هدف و ایدئولوژی و حزب شد. " (م - آیک ص ۱۳۹ - ۱۴۶)

هموطنان آزاده!

پویندگان مشی آگاهی!

۱۳ سال پیش، در چنین هنگامی، حسینیه ارشاد که بهمت معلم ما شریعتی، مشی "ارشاد حسینی" را سرلوحه رسالت خویش قرار داده بود در پی توطئه های بی پای، "به فتوای آیه و فرمان سایه" رسماً تعطیل شد.

براستی با زخوانی داستان ارشاد، برای نسل ما حاوی درسهای بی آموزنده است. حسینیه ارشاد، که در آغاز یک "ساختمان" و "دارالندوه شیوخ قریش و تجار عکاظ" و حلقه آراسته زفاف "ملا" و "ملا" بود، با ورود شریعتی بدان بتدریج به "دارالهجره نسل انقلابی و بیدار و خیمه سرخ حسینی تبدیل و عقبه های شد گه در پناه آن نسل جوان و مسئول و مجاهد ما..... ایمان پیدای "ایمان و توحید" می بستند و پیمان بنیاد "محررت و جهاد"!

بیشک ارشاد در فصل دوم خود، هیچ وجه تشابهی با ارشاد سابق شیوخ و اشراف نداشت. کعبه محمد شده بود و محسن و حسن و فاطمه و حسین و صادق و عباس و علی و مهدی و... همه آنها که از نژاد حنیفانند.

ارشادی که محل تلاقی "حاجی و ملا" بود، با کُلکی که خدایه آنها که خواستند کلک بزنند زد، تخلیه شد و وقتی روحانیت لوکس و اشرافیت لوس رفتند، بیکران، با پیمان مش متناسب گشت. کار به آنجا کشید که حسینیه از سوی پاسداران مکتب جهل و آخوندیسم، به تیرباران گرفته شد و آثار شریعتی از سوی غالب مراجع تقلید، تکفیر گشت و حتی با اصطلاح "روحانیت مبارز" آنزمان

سرمداران بعدی حزب و نظام "جمهوری اسلامی" نیز ارشاد را عملاً "بایکوت" کرد، و در این بحبوحه، حتی برای جناحی از نیروهای انقلابی، درک ضرورت مبارزه "مذهب علیه مذهب"، ثقیل مینمود و رابطه این مبارزه ایدئولوژیک را با مبارزه ضد امپریالیستی - ضد دیکتاتوری در نمی یاستند!

اما معلم با تحلیلی دقیق از شرائط ذهنی و عینی جامعه و جنبش، و با انفکاک "زمان اجتماعی" یعنی شرائط ذهنی جامعه (نفوذ عمیق مذهب - قرون وسطائی و متولیانش در متن توده ها و نیاز بیک رفم و رنسانس)، از زمان تقویمی یا شرائط سیاسی - اقتصادی نظام حاکم (قرن بیستم و عصر امپریالیسم و حاکمیت بورژوازی کمپرادور و دیکتاتوری وابسته سلطنتی)، مبارزه گسترده ایدئولوژیک و پالایش درون مذهب را، پیش شرط مبارزه ضد دیکتاتوری - ضد امپریالیستی (با جهت گیری سوسیالیستی) میدانست.

۱۳ سال گذر زمان و سیر حوادث تا پیروزی زودرس انقلاب و سر برداشتن عفریت ارتجاع، صحت این مواضع را بروشنی بر همگان اثبات نمود. هر چند بعثت ارشاد، سرچشمه آزاد شدن نیروهای انقلاب بهمین بود، لیکن بعثت تعمیق نیافتن این خندق عقیدتی، "ولایت فقیه"، توانست بر فراز مبارزه این دو مذهب (ولایت علوی و ولایت سفیانی)، در پوش ضرورت سیاسی و وحدت کلمه "ضد سلطنتی، به ایحاد یک تعادل بنفع خود دست زند.

اینچنین فصل دوم ارشاد، که طی آن حسینیه از صورت یک "مؤسه آبرومند با برنامهای تبلیغاتی نسبتاً مترقی" بسرعت و با دقت و پختگی "بیک مرکز علمی و تحقیقی تربیتی اسلامشناسی بر اساس ملاکهای جهانی" مبدل گشت، با تعطیل ارشاد توسط رژیم و تعقیب و دستگیری معلم، پایان یافت و برگه از کتاب پر بار زندگی سراسر عقیده و جهاد معلم ورق خورد. اما مبارزه آگاهانه و بیخس در فصل سوم حیات ارشاد بر علییه زور فرعون و زر قارونی و فتوای تکفیمی، در "تک تک خانه های این مرز و بوم و توسط تک تک آدمهای راستین و حق پرست، اعم از دزد دین داران و آخر آراین جامعه" تداوم یافت. در فصل دوم، معلم با تحلیل از مرحله "تکوین و تحدید ساختمان ایدئولوژی"، در برابر تضاد درونی با ارتجاع مذهبی قرون و تضاد برونی با امپریالیسم فرهنگی وارداتی، دست به کار تدوین برنامه "چه باید کرد" ارشاد شد.

(مجموعه ۲۵) و برغم ضعف امکاناتی و وضعیت تشکیلاتی ارشاد (رجوع شود به مجموعه نامه‌ها)، طی ۵ سال، تمامی زندگی خویش را بر سر آن گذارد (بویژه دو سال آخر) و یکتنه‌خلاء همگی برنامه‌ها را که پس از بایکوت روحانیت پدید آمده بود، بر کرد، و محصولی بی‌سابقه، عبارت از مصددا کنفرانس و کتاب و سمینار و جزوه بحای گذارد، چنانکه اساسا جهت فکری رادرجنبش بسمت تقویت اسلام علوی و مقاومت در برابر ارتجاع و امپریالیسم فکری و فرهنگی، تغییر داد.

و به همان‌گونه که معلم خودپیش‌بینی میکرد: "حتی اگر این ساختمان را با خاک یکسان کنند، زمین خالی آن، آدرس آن، در تاریخ تسوالت اندیشه و نهضت اسلام و بیداری مردم جای خود را خواهد داشت و هرگاه مردم مجال یابند، آنرا که متعلق به مردم است، از دست هرکس و به هر شکلی، اشغال خواهند کرد و کار رادنیال خواهند نمود و طرح "چه باید کرد؟" را اجرا خواهند کرد."

"طرح چه باید کرد"، در واقع برنامه آلترناتیو ایدئولوژیک اسلام اجتهادی و تشیع علویست، در برابر اسلام فقه‌ای حاکم بر حوزه‌های تشیع صفوی. لیکن دیکتاتوری سلطنتی، متصد همیشگی ارتجاع مذهبی مانع اصلی پیگیری و تحقق این برنامه بود. پس از انقلاب نیز تعدادی از تجار محترم وابسته به حزب حاکم در مددغصب حسینی و الحاق آن به نهادهای رژیم برآمدند. دیکتاتوری استعماری حاکم، فرزند خلف رژیم گذشته نیز همان‌گونه با سرکوب پیروان راه معلم در ایران، اصلی‌ترین خطر عقیدتی راهمپس آلترناتیو جایگزین شونده، خویش می‌یابد.

اجراء و تحقق این طرح، اصلی‌ترین وظیفه استراتژیک "دانشجویان ارشاد" (در معنای عام و فراگیر کلمه) پس از تعطیل حسینیه بوده است. هرچند در طول این سیزده سال، عوامل بازدارنده‌ای چون خفقان رژیم شاه و سرکوب ساواک، شهادت معلم انقلاب، رخداد انقلاب بهمن تا سرکوب ما پس از سی خرداد، همواره مانع از تکامل و تعمیق این برنامه همه جانبه و جامع در مرحله تکوین مکتب و تدوین فرهنگی بوده‌اند.

از سوی دیگر تکوین و سمت‌یابی نهضت "ارشاد" بسوی یک تشکیلات مشخص و نیز نیاز به طراحی استراتژی این نهضت برای پاسخگویی به شرایط انقلاب بهمن، بازبینی در برنامه قبلی "چه باید کرد" معلم در جهت بازسازی آن متناسب با مقتضیات جدید انقلاب و حذف پیرایه‌های آکادمیک آن، متناسب با سبک کار عقیدتی یک "حزب"، را ضروری می‌ساخت.

و اینک در سیزدهمین سالگرد تعطیل حسینیه ارشاد، "دانشجویان ارشاد"، درسومی سالگرد انتشار "خندق" بار دیگر با درود بروح پر فتوح معلم، با میثاق روز نخست "ارشاد" تجدید عهد میکنند و با آدای سوگند پایداری در این راه، تانیل به سر منزل مقصود جامعه قسط توحیدی، فصل سوم ارشاد را، که از زمان تعطیل حسینیه تا کنون با اجتهادها و جهادهای نسل ارشاد تا پیروزی انقلاب و از آن پس توسط پیوندگان مشی آگاهی در قالب تشکلهای گوناگون پیگیری شده است، گرامی میدارند.

بیشک، شرط کفایت این تجدید پیمان و

گرا میداشت صادقانه، همانا تلاش عاشقانانه شبانه‌روزی در راه پرورش نهال مکتبی که پس از انقلاب برای بوستان "و به برکت خون شهدا" و مقاومت اسرای جبهه توحید، همچنان آکنده از عطر شکوفه‌های بهاری و گل‌های نسترنی است، خواهد بود.

و ما امیدواریم برغم تمامی مشکلات و کمبود امکانات و مصائب سرکوب و اختناق، بتوانیم به سهم خود، در امر تحقق برنامه "چه باید کرد" ارشاد، متناسب با شرایط انقلاب و همپسای وظایف سیاسی و تشکیلاتی خویش، مشارکت نمائیم. جا دارد که در سیزدهمین سالگرد تعطیل ارشاد خطاب به همه روشنفکران راستین و متعهد میهن‌مان، که تجربه موفق شریعتی و ارشاد رادرجامعه ما بعین مشاهده کرده‌اند، بآردیگر از پیراهه‌ها و دامپهای که فرهنگ ارتجاعی حاکم و امپریالیسم فرهنگی محکوم و اپورتنیسم "چپ" دست در دست هم بر سر راهشان گسترده‌اند، بر حذرشان داریم، به راه "ارشاد" فرشان خوانیم، تا روزی چنانکه معلم ما آرزو میکرد، همه آخزار و درددین داران این جامعه بتوانند دست در دست هم به نبرد مشترک ملی و عقیدتی بر علیه ارتجاع فکری و امپریالیسم فرهنگی دست زنند.

در تعقیب این هدف از همه روشنفکران چشم همراهی داریم و در اشاعه این نوع آثار به سهم خود خواهیم کوشید.

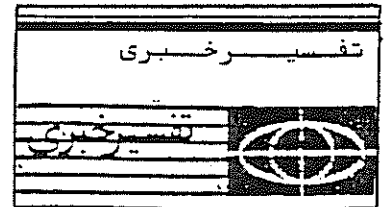
علاوه بر این، کار ایدئولوژیک و بی‌سازمان "دانشجویان ارشاد" راهم در سال آینده پیوی خواهیم گرفت.

در پایان، شریعتی وار تکرار میکنیم که: "وما هم، بدانید که از اکنون تا لحظه مرگ یا قتل، همچون بلال که در زیر شکنجه فقط یک کلمه را تکرار میکرد: **أحد! أحد! أحد!** با هر شکنجه‌ای فقط یک کلمه را تکرار خواهیم کرد: **ارشاد! ارشاد! ارشاد!**"

دنباله مقاله "نگاهی به سیاستهای... از ص ۱۶"

اقدامات، سیاستها و عملکردهای رژیم، باید بوسیله شما در صحنه‌های متفاوت و متنوع میارزاتی اعم از صحنه مبارزه پرشور در داخل کشور و یا خارج از آن افشاء گردد تا زمینه باروری برای آگاهی رادرمیان توده‌ها تدارک ببینند و با تشعشعات آن تار و پودهای پوشالی رژیم را به لرزه درآورد و این نظام ستم پیشه را واژگون نماید.

- پا ورقبها
=====
- ۱ - رک، جزوه "جهت حاکمیت" از موحدین (چاپ ۶۵)
 - ۲ - در همان جزوه وابستگی سیاسی را به دو نوع سازشکارانه و دیکته‌ای تقسیم کرده ایم.
 - ۳ - ۶۴/۶/۱۹
 - ۴ - ۶۴/۵/۵
 - ۵ - ۶۴/۶/۱۱ سخنان کسینجر
 - ۶ - ۶۴/۵/۳



"لکن با هم باشیم در دفع او"

"برای همه ما لازم است که ما در فکرایین باشیم که مردم را در صحنه نگاه داریم و این یک سرش بسته به دولت است و رئیس جمهور است و مجلس یک سرش هم مربوط است به خود مردم. این طرف باید بنا گذازد برای اینکه با هم مثل یسنگ دست باشند. اگر بنا باشد در یک دولتی، یک وزارتخانه ای به خواهد مخالفت بکند، در یک امری، این کار پیش نمی رود. حالا در یک ممالکی که آسوده هستند، کاری ندارند. اما در یک رژیم می که میدانید همه مخالف شما هستند و دنبال اینند که یک چیزی را درست کنند و تشریح کنند، هر چه می خواهند، بگویند. در یک همچنین وضعی که الان ما مبتلا بهش هستیم، شما بهش مبتلا هستید. عقل و انصاف اقتضا میکند که ما دیگر در بینمان چیزی نباشد، وقتی هم با ما مخالفت ما بر فرض اینکه در بین خودمان هم فرضاً یک اختلاف نظری باشد، لکن با هم باشیم در دفع او" (۱۱ آبان، کیهان از سخنان خمینی در حضور موسوی و خاتمی و اعضای کابینه ...)

سیاست یکی به نعل یکی به میخ

"امام اجاساس میکنند مصلحت کشور و صلاح نظام و انقلاب نیست که ما برای انتخاب اصلح آنقدر معطل شویم که مصالح اصلی کشورمان را از دست بدهیم: (رفسنجانی ۱۷ آبان) بدنبال دخالت دستیا چه خمینی برای روسا مان، دادن به کابینه بحران زده موسوی و پایان بخشیدن به افشاگری های طرفین که برای کسب امتیاز بیشتر اوج انحطاط دیگری را بر ملا میساخت جناح رقیب، بی دست یابی به هیچ گونه امتیاز سیاسی و نیگز

اقتصادی به کناری کشیده شد. کابینه موسوی که مدتها تحت فشار این جناح و نیز تحت فشار اوضاع اقتصادی مملکت اتمام بودجه ارزی کشور رکود سیستم تولیدی و ... محبور به دادن امتیازاتی به این طیف شده بود از قبیل دعوت از سرمایه داران، سپردن کارخانجات به صاحب های فراری آن، بازگرداندن اموال سرمایه داران، عدم کنترل دولتی در برخی از بخشهای تولیدی و ... برای جلب حمایت نیروهای پایه ای خط امامی، دستها نوره ای چپ روانه ای میزند.

حملات اخیر خوثینیها، وزیر دادستانی به عمده تر بودن اصل اقتصاد به جای اصل توجید برای بسیاری از دست اندرکاران، حمله به سیاست بازگرداندن سرمایه ها به صاحبان فراری آن، ریشه فساد اجتماعی را نابرابریهای اقتصادی خواندن و ... از یک طرف و حمایت های پی در پی انجمنهای دانشجویان دانشگاهها، جناحی از نمایندگان مجلس ضد خلقی و ... نمونه های این سیاست جدید خط امامی ها است.

"من تعجب میکنم که چرا بعضی ها از یک طرف میگویند مسائل اقتصادی مسئله نیست اما در نظر آنها، اصل مالکیت از اصل توجید محترم تر است" (خوثینی ها، ۱۷ مهر)

تناقض لاینحلی که کریبان رژیم جمهوری اسلامی را رهها نمیکند و این خود یکی از عوامل عدم ثبات آن میگردد. از یک سو برای عوام فریبی و حفظ چهره به اصطلاح انقلابی و جامی مستضعفان، مجبور است بسه حربه های تبلیغاتی دفاع از منافع مردم مستضعف متوسل شود تا بدینوسیله ارزش و قدرت گیری جناح رقیب نیز جلوگیری نماید و از سوی دیگر، از حل کوچکترین معضل اجتماعی و داشتن حداقل برنامه برای بهبود وضع اقتصادی ناتوان است.

از این رومجور است بسیاری سا مان بخشیدن به شرایط به سراغ سرمایه داران و بخش خصوصی برود. راه حلی که بار مشکل "مستضعفین را در برابرش میگذاید. اگر راه حل اولی را

انتخاب کند، طرفداران گردش آزاد سرمایه که قدرت و نبض اقتصادی را در دست دارند در برابرش می ایستند و اگر راه حل دومی را، حمایت از نیروهای پایه ای خود را از دست میدهد. تا به حال چنین پیدا است که میکوشیده سیاست یکی به میخ یکی به نعل را برگزینند و این است که در این میان به جز افزایش بحران و تشدید تضاد چیزی دیگر عایدش نشده است. پاشنه آشلی که اسباب سقوط وی را فرا خواهد ساخت.

گزارشی از هلند

بنابریک گزارش رسیده از هلند هواداران راه معلم در این کشور با بخش تراکتها یکی فعالیتهای سیاسی خویش را آغاز نمودند. این تراکتها، که حاوی

شعار: "با گسترش مقاومت منفی در راستای قیام قهرآمیز توده ها به نبرد با رژیم استعماری حاکم برخیزیم" بود، وسیعاً در چهار شهر بزرگ هلند، پخش و تکثیر گشت. هواداران راه معلم در هلند میتوانند برای وصل ارتباط با آدرس زیر تماس بگیرند:

POST BUS 22749
1100 DE AMSTERDM

... اخبار از ... صفحه ۲۵

فتودان که دارند بر میگردند بایستند. همچنین یکی از نمایندگان مجلس آخوندی میگوید: کارگران کوره پزخانه به من گفتند اگر این قانون تصویب شود ما حیوان قبلی آنها برگرداند، ما آنها را در کوره خواهیم انداخت.

همگام با پیامبر در هجرت

به نقل از "ابلاغ" نشریه
کانون ابلاغ اندیشه های شریعتی

پا ورقیها

- (۱) - تاریخ اسلام و ادوار تاریخی تشیع به سه قسم است .
- ۱- نبوت دوران پیامبر تاهجرت به مدینه
- ۲- امامت از هجرت تا دوران تولد امام زمان
- ۳- غیبت

.... در اینچنین زمانهای خطیر و در اینچنین مقطعی حساس از تاریخ که در آستانه ظهور مجدد بعثت فکری و روحی اسلام ایم ، و "رسالت نبوت" ، از آغاز رسالت و بردوشهای ناتوان و دردمند اسما مسئول شاگردان این نهضت ، سختی میکردند است سبک محتاج هجرت ایم ، تا بتوانیم این بعثت اسلامی را به تعبیر معلم از شکل "جنبش اش-بدر آورده و در میان تودهها حیاتبخشیم تا اینچنین نهضت فکریای به "تکوین امتی واسط" در متن زمانه و در میان صحنه درگیریهای جهانی بیانجامد ، و تا اسلام ، تنگ و تاریک تعب و وجود قزنها و راهها کند و از زیر آوارقزنها قبرستانی سر برآورد ، بیوست از تن بیدردو "تولد دیگری یابد" . ویی تردید در این میان ، در زیر ضربهای بیامان و کینهتوز ارتجاع داخلی ، استعمار خارجی ، و ایدئولوژیهای مدعی ، قرار میگردد . اما تضمین حیات یسک نهضت ، حضورش در میان تودههاست . که مادر ما تودهها هستند . تاروی کبا آذان پیوند نیرومند داشتیم هیچدستی یارای محاصره کردنمان نیست . پس همزمان با هجرت پیامبران " مهاجروار " ، " هاجرگونه " با پیامبر راهی می شویم ، از خویشتن (فردسازی مکی) میگذریم و بمیان تودهها میرویم (جامعه سازی مدنی) که اینچنین است که " ابلاغ مان " حیات می یابد .

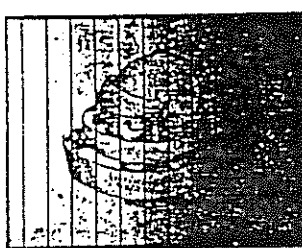
معرفی کتاب

کتاب "طبایع الاستبداد و مصارع الاستعباد" ، نوشته ، عبدالرحمن الكواکبی یکی از آموزگاران نهضت اسلام معاصر است که اخیرا در ایران تجدید چاپ شده است . در این کتاب کواکبی کوشیده است تا ضمن توصیف طبیعت استبداد ، برای نخستین بار مسائل سیاسی را نقد و تحلیل ایدئولوژیک بزند .

... پیامبر در طول حیاتش یک رسالت پیش رویش ندارد ، که بر دو پایه استوار است . پایه نخست "نبوت" است ، ابلاغ پیام و بگوش خلق رسانیدن آن " نبیاء عظیم " ، خبیر بزرگ ، رسالتی که در عمر غیبت رسیده ، روشنگر است (روشنی) . به تعبیر معلم رسالت بزرگ و پیامبرگونه اش در یک کلمه در میان قوم و عمر و نسل خویش آغاز گار و با پیامبروار " ابلاغ " ؛ بایک صلاح " کلمه " ؛ و دومین پایه رسالتش " امامت " ، تحقق عینی و عملی پیام در جامعه که تودهها پیام را آنگاه می فهمند که در جامعه تجلی و نمود عینی و عملی داشته باشد و جهان بینی (روشنگر) به جامعه بینی (تودهها) بدل گردد . " امامت " : رسالت سنگین رهبری و راندن جامعه و فرد را " از انچهست " به " سوی آنچه باید باشد " بردوش گرفتن ، اما نه بخواست شخصی امام گیر اما بر ایدئولوژی و اصول ثابتی که امام نیز (بیش از هر فردی) تابع آن است و در برابرش مسئول و وجه شایز " امامت " و " دیکتاتوری " نیز در این است و رهبری انتقالی با رهبری فردی از هینجاست که تفاد می یابد و این رسالت در عمر غیبت به عهده عالم شیعی است (وارث امام) . و امامت یعنی : از خویش خداگونه ای ساختن و از جمع خویش یک " امت " بنا کردن .

..... و " هجرت " گذاربت از نبوت به امامت و فردسازی (۳ سال مکی) به جامعه سازی (۲ سال مدنی) و بنی شرایط اجتماعی و اعلام اصالت انسانی بر این مبناست که قرآن " هجرت " را همیشه در میان " ایمان " و " جهاد " قرار میدهد . (الذین امنوا و هاجرنا و جاهدوا) که ایمان ، اعتقاد و عشق به اندیشه ای تازه (پیام) است و بنا بر این تلقی وضع موجود و شرایط اجتماعی ، محیط حاضر ، و به همین دلیل توین در جامعه خویش تنها میباندند و " اقلیت " دوسر نوشت پیش پایش بیش نیست یا ایناتش قربانی میشود (با تسلیم شرایط موجود شدن) و با خودش (با عصیان در مقابل شرایط) . و هجرت یعنی از قلمرو زور ، اشتقاق گرفتن و در غربتی آزاد و شرایط سالم برای سازش آماده شدن و آماده کردن ریشد و اوندن در میان تودهها ، و با تودهها و به رهبری تودهها نیز بر علیه نظام حاکم و شرایط موجود عصیان کردن ، و این نه در زندگی پیامبر که هر مسلمانانی تجلی عینی دارد چرا که : " مسوم شدن " ، " مهاجرتن " و " مجاهد بازگشتن " رسالت هر مسلمانانی است . هر سال هجرت پیامبران را انتظاره گر بودیم که سرچشمه شدن انسانی مان بود (تاریخ) و اسال همای پیامبر در هجرتیم . از " نبی " به " مردم " از ارشاد به ابلاغ باز فردسازی به جامعه سازی از دوران جنبش روشنگری به کار تشکیلاتی " توده های بسیار " خلق رفتن بازگشتن ، ابلاغ و پیام و تحقق آن در جامعه و تنها بایک کار : تداوم بعثت در میان تودهها و بنا بر این " ابلاغ " و بایک صلاح ، کسلسله .

طبیعت استبداد



تألیف :
سید عبدالرحمن کواکبی
ترجمه :
عبدالحمین میرزای ناجار
تقدیمتصیح :
محمد حراد معاصی

باشد تادر این مسیر " امتی واسط " باشیم و بیوردانیم و بردویایه " نبوت (ابلاغ پیام) ، امامت (تحقق پیام) " در میان خلق بعثتی بیافرینیم هر چند بی معیوت !
گمان بعثت به تعبیر معلم در طول این چهارده قرن تنها یکبار تکرار شده است و آن " روح " در هالید یک عصر دیده است و آن عصر بی شک عصر است .
انتظار " ابلاغ " عنوان نویسی است در قصل دیگری از این بعثت ، که با هجرت آغاز میگردد . که " عصر غیبت " است و تنها بعثت میتواند در " تداوم پیامبری " در میان خوداگان مسئول و صاحب رسالت و توارث حسینی در توالی نسلهای مجاهد و تسلیم ناپذیر ، عصیانگر ، و در تحقق عینی و انسانی ، " آزوی نجات " و " عدالت " و " انتقام " و " انتظار منجی قائم " ، یاری مان دهد ، هر چند بی پیامبر بی حسین و بی موعود !

ستون ویژه پیروان راه معلم

تگاهی به سیاستهای سازشکارانه خارجی رژیم مرتجعین

به نقل از خروش موحد

آمدهای خاص خود را در پی داشته و در آینده نیز خواهد داشت و تاکنون نیز به مثابه ابعدای لز وابستگی مماشاتی و سیاست سازشی در رابطه با سیاست خارجی رژیم انعکاس یافته که از قضا با زمین جانیز تمامی دم خرو سهای مدعیان ضد امپریالیست نما؛ که مذبح خانه تلاش میورزد تا خود را پایبند به شعارهای سیاست خارجی نشان بدهند بیرون میجد افشاگر مایت پلید رژیم میگردد .

در یادداشتهای اقتصادی حاکی از اعتراض مطبوعات وابسته به رژیم افزایش میزان سال ۶۲۰ بالغ بر ۸۴٪ و در حدود ۲۲ میلیارد ریال بوده است که به ترتیب میزان واردات از کشورهای آلمان غربی ۱۹/۵۲٪ ، ژاپن ۱۶/۶۹٪ ، انگلستان ۶/۵۱٪ ، ترکیه ۴/۷۱٪ ، ایتالیا ۴/۶۳٪ و ... زاد بر میگردد (۳) .

و بطور مسلم با چنین میزانی از وابستگی اقتصادی در رژیم و مماشات و سازشهای سیاسی ناشی از آن دیگر روزنه ای برای منافع خلقهای جهان که رژیم همواره در تبلیغات داعیه آنرا دارد برجای نمیماند و تلاش در جهت جلب اعتماد جهانی در دستور کار و در صدر برنامه رژیم قرار گرفته و خلقهای جهان به بوته بی اعتنائی و فراموشی سپرده میشوند و سردمداران ارتجاع با ظاهر آراسته و بزرگ کرده و زبان دیپلماتیک در عرصه مسائل جهانی در صف طویل رژیمهای ضد خلقی و پلید جا باز میکند و به زد و پندهای رایج بین الملی میپردازند .

برای آنکه ماهیت سازشکار و مماشات گسر رژیم در سیاست خارجی آشکار شود در زیر به شرح بخشی از عملکردهای رژیم خواهیم پرداخت . " جانبداری از رژیمها در مقابل مخالفین و یا پشت پا زدن به جنبشها و مبارزات مردمی عدم پشتیبانی یا اطلاع پشت پا زدن به جنبشها و مبارزات مردمی و طرفداری از رژیمهای که به سرکوب تمام عیار خلق میپردازند از جمله پیامدهای سیاستهای مماشاتی و سازشکارانه رژیم است و نمونه هایی از آن در طی چند سال گذشته بارها رخ داده است که مرور برخی از آنان لازم به نظر میرسد .

بعنوان مثال رژیم در رابطه با درگیریها و خصامات میان مبارزین و دولت ترکیه از رژیم حاکم بر این کشور دفاع میکند به ویژه آنکه نتنها مطبوعات وابسته به رژیم در طی انعکاس اخبار ترکیه ، کردهای مخالف رژیم را تجزیه طلب میخواند بلکه حتی به این رژیم که هم - چون سگی وابسته به امپریالیسم است اجازه ورود به خاک ایران در جهت سرکوب چریکهای

برقراری روابط خارجی با کشورهای جهان بخصوص با دولتهای امپریالیستی و اقتدار وابسته آنها همیشه برای رژیم حکم بقا و افزودن شدن بر میزان عمرش را دارا بوده است . رژیم با بهره برداری چنین مبادلات و مناسباتی و با تمسک قرار دادن آنان دو منظور عمده زیر را دنبال میکند نخست آنکه قصد دارد با استفاده از مناسبات و مبادلات خارجی پروسه به فروش رسانیدن نفت بمنظور کسب توانایی مالی و ارزی را تدارک ببیند و آنکه با پرداخت همین ارزی که ابزار جنگی ، کالاها ، قطعات اولیه ویدکی و یا مواد اولیه و خام ... را وارد کشور کند و بدین ترتیب امور اقتصادی کشور را به چرخش در آورده در ثانی میخواست با انجام چنین مناسباتی از انزوای جهانی خارج شده و با حضور در سطح مخالف بین المللی و با اثبات نشان دادن خود از موقعیت و جایگاهی برخوردار گردد تا در قبال آن بتواند اهداف و برنامه های راپیرامون مسائلی نظیر جنگ و یا روابط اقتصادی و منطقه ای و ... به پیش ببرد . به همین دلایل نیز تا کنون تلاش و کوشش وقفه ناپذیری را بر سر حفظ و تدویم مناسبات اقتصادی - سیاسی با انجام رسانیده که مانیز کرار آنها پرداخته ایم . " سه گام تا وابستگی " ، توجیه استثمار داخلی در ظل شعار خودکفائی - وابستگی اقتصادی - وابستگی سیاسی " (۱) که بر طبق پیش بینی رژیم در مسیر سلطه خویش گامهای اساسی و بنیادینی را در همه عرصه در نور دیده و با برقرار نمودن چنین مناسبات و مبادلات گسترده و غیر قابل شمارش با کشورهای امپریالیستی و با وابسته بد آنها ضمن تسریع وابستگی اقتصادی و تشدید آن با مماشات و سازشهای خارجی قدمی سنگین در مسیر وابستگی سیاسی به جلو برداشته که با شعار پردازیهای دروغین و ساختگی نخستین در تضادی فاحش قرار دارد .

و به مثابه لیستی از اقدامات سازشکارانه وابستگی شدت یافته اقتصادی را درجه دوم قرار داده است . و این رسم مبادلات بازرگانی میباشد که کشورهای ضعیف از حیث توانائیهای اقتصادی و سیاسی را نخست به زیر سلطه اقتصادی خویش میکشاند و به دنبال آن به پرداخت باج و خراج و یا مماشات و سازشهای در سطح مسائل جهانی و ادار می نماید هر چند که جناح راست سالوسکار رژیم تلاش بورزد برای حفظ ظواهر حفظ زرکی شعرا استقلال تا سر حد ممکن از وابستگی دیکته ای (۲) و مستقیم که کما ملترین نوع از وابستگی سیاسی میباشد . رژیمش را دورنگاه دارد ولیکن بالاخره مبادلات بین الملی در جهان بس -

مبارزات ضد امپریالیستی
مبارزات
جهان

کرد، که ترکیه را به قصدایران ترک نموده اند می دهد و اساساً در سرکوب طیف گسترده مخالفین داخلی این کشور را هم با سکوت و حمایت وهم با مبادلات و مناسبات اقتصادی وسیعی که با آن دارند یاری میرسانند .

ترکیه با رقمی بالغ بر ۴/۶۳ % در لیست کشورهای بی که رژیم از آنها کالا وارد میکند مقام چهارم یافته و سیاست های شعاری رژیم ارتجاع را تحت شعاع خویش قرار داده است . و یا مثلاً در روند سرکوب مبارزات اعتراضی و اعتصابی مردم پاکستان که بر علیه ضیاء الحق امریکائی و جلاد اردوگاه های چریکی فلسطین در اردن ، به عصیان برخاسته و در مسیر اخفاء جنبش دمکراسی مبارزه میکنند مطلقاً سکوت کرده است و رضایت داده ، چرا که مناسبات گرم و صمیمانه آن دو کشور رژیم لاتنها به سوی جلب حمایت دولتها منافع و مصالح آنان سوق داده و توده های خلق بکلی فراموش گردیده اند

همچنین برقراری روابط با رژیم فلیپین آن هم درست در شرایطی که درگیریهای میان رژیم مارکوس و مخالفینش شدت بی سابقه ای یافته است هیچ نمودی بجز تمایلات سازشکارانه امپریالیستی رژیم را به اثبات میرساند این مسئله بقصدی واضح و آشکار است و کوس رسوائی ارتجاع چنان نواخته شده که در گزارشات متعدد با اصطلاح دولت در گزارشن که حضرات از سیر سیاست خارجی ایشان داده اند و در تمامی مطبوعات رژیم چاپ گردید صریحاً ذکر شده که روابط ماکه بخاطر جنبش مورو، (که جنبش اسلامی مستقل و مردمی است) تیره شده بود ، عادی و مناسب گردیده است .

همچنین سکوت در برابر روابط خسته روبه افزایش ترکیه با اسرائیل ، سکوت در برابر کشتار فلسطینی ها در جنگ اردوگاهها توسط جبهه عملی هوادار سوریه با خفایتهای غیر مستقیم آن کشور و ... جلوه های دیگری از تاثیر سازش کاریه در موضع گیریهای سیاسی خائنانسه میباشد .

"پرداختن غرامت و زیانها و دادن باج و خراج به کشورها"

جلب تمایل برخی کشورها در گرو پرداختن غرامت و زیانها و یادادن باج و خراجها به کشورها بوده و میباشد ، سردمداران ارتجاع نیز از انجنانم چنین اقدامی دریغ نورزیده اند . برای مجسم ساختن این مطلب ذکر مثالهایی یادآورکننده ضروری است .

رفسنجانی در مسافرت به ژاپن خطاب به صاحبان صنایع و مراکز اقتصادی و تجاری بزرگ اعلام کرد : " ما میدانیم کمپانیهای خارجی سرمایه گذاریهائی باید داشته باشند و بدون سود اقدامی نمیکند " و یادرجائی دیگر که گو- یا از کیسه خلیفه بذل و بخشش مینماید .

اطمینان میدهد زیانتهای ناشی از جنگ که مشخصاً به پتروشیمی وارد آمده با طرحهای فراوان دیگر جبران خواهد شد و البته جبران خسارتهای ژاپن در واردات ژاپن به کشورمان آنهم وارد شدن کالاهای مصرفی و بنجل و فیلمهای مبتذل و مسخره قابل مشاهده و رویت است که از فرط بداهت ضرورتی به تفسیر و تشریح پیرامون آن باقی نمیمانند چرا که این امپریالیزم یغماگستر سالهاست بر سر خوان به یغماگسترده در کشور

ما حضور یافته و از فوائد آن بهره برداری و سوء استفاده مینماید .

سوریه نیز به لحاظ برخی جانبداریها از رژیم در جنگ و حمایتهایی که آنهم در چهار چوب منافع و مصالح منطقه ای خود این کشور و اختلاف با رژیم عراق بوده داشما مورد تقد رژیم قرار گرفته است . قطع لوله های نفت عراق در خنک سوریه و حمایت لفظی در برخی محافل بین المللی از اهم چنین اقدامات بوده اما از آنجا که رژیم به چنین حمایتهایی نیازمند است بسا دادن باج و خراجهایی به سوریه در صدد تسدوم بخشیدن به چنین جانبداریهای منطقه ای از طرف سوریه میباشد نمونه چنین باج و خراجی در مجلس مشاهده میگردد در لایحه ۴/۵/۱۶م قرار شد سالانه یک میلیون تن نفت خام مجانی به سوریه تحویل داده شود و نیز تا مقدار ۵ میلیون تن نفت خام با تخفیف ۲/۵ دلار در هر بشکه به این کشور تحویل گردد .

مهلتهای های مکرر به پاکستان پس پرداخت بدهی هایش به ایران و ... نیز در همین راستا قرار دارد .

بر روی خود نیاوردن تضییقات طرف مقابل

دیپلماسی رژیم که سیاست توسعه بخشیدن به روابط کشورها را در صدر برنامه های خویش جای داده در رابطه با اخراج دانشجویان ایرانی از آلمان غربی شکایتی به این کشور نکرد و بسا سکوت ، تسلیم چنین اقدامی گردید .

از قضا ، اخراج شدگان نیز از حامیان رژیم و از دانشجویان وابسته به انجمنهای کذابی اسلامی بودند که در مسیر برنامه ها و دستور العملهای رژیم فعالیت میکردند و رژیم با سکوت و تسلیم در قبال چنین اقدامی به اثبات رسانید که آن اندازه برای مناسبات و مبادلات اقتصادی و روابط سیاسی آنهم با کشورهای نظیر آلمان غربی اهمیت قائل است که به سهولت از این پدیده موقتی در میگذرد تا مبادا خدشهای در روند مناسبات و روابط میان دو کشور به وجود آید سکوت و عدم پاسخدهی به دستگیری شیعیان کویت پاکستان ، و متهم کردن ایران به دخالت در این مسائل توسط پاکستان و ... نیز در همین روند قرار دارد .

دنباله روی و اطاعت از دیپلماسی رایج امپریالیستی بین المللی

دنباله روی و اطاعت از دیپلماسی بین المللی در ادامه سیاستهای سازشکارانه در صدر برنامه عمل رژیم واقع گردیده است بدین معنا که عناصر سیاست خارجی به استثناء مسئله جنگ در سایر مسائل مربوط به سیاست خارجی دست در انطباق کامل با دیپلماسی حاکم بر جهان حرکت مینماید و علیرغم شعارهای ظاهری ، با توجه به شیوههایی که در بالابدان پرداخته شد در صدد جلب و جذب تمایل رژیمها در روابط خارجی میباشد ، آنچه خامنه ای در دیدار با سمینار سفرای بر روی آن تکیه میورزد و میگوید که منظور از جلب افکار عمومی بجز مردم دولت مردان جهان هم هست . محکومیت با اصطلاح تروریسم در منطقه آنهم همنوا و هم صدا با بوق و تبلیغات امپریالیستی ، از جمله اطاعتها و نیز دنباله رویهای رژیم از دیپلماسی بین المللی میباشد . رژیم که بلحاظ

ماهیت انحصار طلب و تولید خویش قادر به جلب هیچیک از جریانهای مخالف در منطقه نگردیده و نخواهد شد و در روند معقول و منطقی شدن بطور مکرر به محکوم ساختن تروریسم ، آنهم هماهنگ با بوق و کرنای لجن پراکنان امپریالیسم بر علیه انقلابیون ، مبادرت ورزیده است .

پایان دادن ماجرای هواپیمای ربوده شده کویتی از طریق حمله و دستگیر نمودن هواپیمای ربایان نیز اقدام و همکاری عملی و گام دیگری در مسیر مبارزه با تروریسم و هواپیماربايي بود که بطرز علنی از سیاست دیپلماتیک و دنباله روری کامل رژیم آن حکایت میکرد همین شیوه . در سمینارها و اجلاسهای بین المللی ، در رابطه با دعای ایران و آمریکا در دیوان لاهه ویا در سیاستهای ایران پیرامون یک که مرتجعینسن همواره داعیه ایجاد تغییر و تحولات در آنرا داشته اند انعکاس کامل یافته است . سیاست دنباله روری و اطاعت از روابط دیپلماتیک در دعای وی ایران و آمریکا تا بدانجا به مماشات منتهی گردیده که خسارات و زیانهای مالی بیشماری را به اموال عمومی خلق وارد آورده است .

برای جلب اعتماد و اطمینان دولتمبردان جهان تاکتیکی بهتر از پشت پا زدن به جنبشها و مبارزات و منافع مردم و نیز دنباله روری و اطاعت از دیپلماسی بین المللی باقی نمیماند .

پرداخت باج و خراج به کشورها ، تسلیم در مقابل تضيیقات و دو تاکتیک عمده دیگری که بدان اشاره کردیم محوری ترین گامهای رژیم در مسیر سازش و مماشات در سیاست خارجی بوده که خود لیست تمام عیاری از مماشات خائنانه رژیم با دول امپریالیستی و اعمار وابسته بدان را در پیش روی قرار میدهد .

البته اتخاذ چنین مماشاتی که گستاخانه و بیرحمانه به منافع خلق پشت پا میزند به مسیرهای دیگری نیز راه باز خواهد کرد . همانطور که تاکنون نظر کشورهای غربی و امپریالیستی در رابطه با ایران تغییر یافته (بویژه بصورت محور پس از کنفرانس ویلیا مزبورگ) و آنان را بسوی برقراری مناسبات اقتصادی - سیاسی با رژیم سوق دادند . روزنامه "ینهون شیمبون" ژاپنی مینویسد "بسیاری از کشورها توجه خاصی به این موضوع دارند که بعد از جنگ ، ایران دارای نفت و چهل میلیون نفر جمعیت است" (۴)

نظیر چنین برداشتها و نظریاتی در طوسی سالیهای اخیر که رژیم به برقراری مناسبات با دول غربی و اجرای سیاست سازش و کنار آمدن با آنان پرداخته مورد بررسی و تجزیه و تحلیل رادیوهای وابسته به امپریالیسم و نیز مطبوعات غربی قرار گرفته و در این برنامهها تحلیلها و تفسیرهایی که حاکی از "به سرعت آمدن رژیم ایران در رابطه با غرب" میباشد در و اج یافته است ولیکن جالب تر از همه تفاسیر و برداشتهای ارائه شده و نظریات عناد صریح از حزب جمهوریخواه آمریکا پیرامون مناسبات و روابط با ایران میباشد عناصر این جناح که غالباً از سیاستهای میلیتاریستی حمایت میورزد از سیاستهای خارجی رژیم ابراز ناراضی نگردیده و حتی ایالات متحده آمریکا را ربه برقراری روابط با ایران دعوت مینمایند: "اگر یک جو واقع گرای در تهران حکم فرما نشود ، آمریکا نباید در دروازهها رابه روی تهران ببیند بنظر من سیاست عاقلانسه

آمریکا باید دو طریق رابه موازات هم ببیند - ایستادگن در برابر توسعه طلبیهای ایرانیها هم - گام با برقراری رابطه سازنده تا آنگاه گام واقعیت های بنیادی خود را نشان دهد (۵)

نمونه ای از چنین چراغ سبزهها نیز تاکنون برزیده نموده تا بدانجا که خاموشی رئیس اطاق بازرگانی و صنایع و معادن و نماینده بخش خصوصی و بورژوازی تجاری میگوید: حتی آمریکا اگر در روابط خود با کشورهای منطقه و مسلمان تجدید نظر کند بعید نیست در آینده مانیز در روابط - مان با کشورها تجدید نظر کنیم" (۶)

مماشات و سازشهای رژیم در سیاست خارجی که مهر تائید دیگری بر ماهیت رژیم میزند از دو جنبه مهم است یکی از این جنبه که قراری از یک درس بزرگ برای انقلابیون و مبارزین منطقه است تا ادعاهای پوشالی و قبیل و قالهای ضد امپریالیست نمایانه رسوا گردد و دوم آنکه وسیله دیگری در جهت آگاهی بخشیدن به توده های تحت ستم ارتجاع در ایران و بارور کردن روند مبارزات آنان میباشد .

و درس تکراری ، اما بنیادی اینکه محک سنجش رژیمها برای انقلابیون و مبارزین منطقه و جهان به هیچ وجه تنها سیاست خارجی نیست بلکه بطور محوری سیاستهای داخلی رژیمها را در بر میگیرد و این درس بزرگی است که باید در پیش روی ما و تمامی آنانی که برای آزادی و عدالت و استقلال مبارزه میکنند قرار گیرد زیرا ممکن است رژیمی در ظاهر امر سیاستهای شعاری ضد امپریالیستی را ارائه دهد ولیکن فضایی از ختنان و استثمار را بر کشورش حاکم نماید و یا نظیر رژیم سوریه برای پیشبرد سیاستهای توسعه طلبانه و رهبری جویانهاش در کشتار خلق شکستنا پذیر فلسطین در دامن زدن به درگیریهای فرقه ایی لبنان به منظور تضعیف نیروی انقلابی خلق و صاف کردن جاده یکه تازی در کشور لبنان و مشارکت جوید .

از همین رو ما به تمامی انقلابیون مبارز در منطقه پیشنهاد میکنیم که همواره در تماس و مواجهه با رژیمهایی اینچنین ، بیسدار و هوشیار باشند و بدانند معادله سیاست خارجی رژیمها تنها در کوتاه مدت میتواند از عوامل داخلی مستقل بماند ولی حتی در میان مدت تا - ثیرات آن رخ خواهد نمود . (که در مورد ایران چنین شده است)

تجربه فلسطین و آلودگی دست برخی کشورها در سرکوبی و کشتار فلسطینیان تنها به این حرم که حاضر به واگذاری سرنوشت خویش به رژیم این کشورها نبودند باید درسی بزرگ و خونبار باشد و اساساً این تجربه پرشکوه رهبران ساف همواره باید در یاد باشد که سازمان انقلابی و یا نیروی مبارز در منطقه خاور میانه همواره باید مستقل از رژیمها اعم از باصلاح مرتجع و مترقی باقی بماند . این نیروها و عناصر باید ارتباطات تماسهای مبارزاتی را در میان خویش افزایش دهند و از آن به مثابه پلی برای حل ضرورتهای مبارزاتی و راهی خلق بزنند تا با آزادی استقلال و برابری خلقها از راه فرابرسد .

دوستان رزمنده و آگاه هیبخش اماشات و سازشهای رژیم در سیاست خارجی ، در کنار سایر بقیه در صفحه ۱۱

اخبار از کانهال جنبش

بنقل از نشریه خروش موحد

* بنا به گزارشی رسیده از شیراز مدرسه قاسمیانکه در جنوب این شهر واقع شده است و جزء مناطقی محروم این شهر به شمار میرود ، توسط مالک آن خراب میشود و در نتیجه دانش آموزان به صورت سه شیفه زیر چادرها ، در گرمای طاقت فرسا مشغول درس خواندن هستند . این مدرسه جزء منطقه شیخ چوپان است در این منطقه اکثر خانه ها ۵۰ متری و متعلق به فقیر ترین اقشار جامعه است .

* بنا به اخبار واطله ، مدرسه راهنماییها جردریلواریافت آباد تهران (واقع در جنوب ترین قسمتهای شهر جنوب غربی) که حکم تخلیه اش توسط مالک آن گرفته شده بود موجبات تحسین اولیاء دانش آموزان را از فرط ناراحتی و عصبانیت فراهم کرد و در همین حال گشت کمیته ضد خلقی در آنجا حضور یافت و اکیفیت خواستار متفرق شدن مردم شد ، ولی مردم همچنان به تحصن خود ادامه دادند .

* طبق آمار اخذ شده در حال حاضر ۱۰۰۰۰ دانش آموز بلا تکلیف (به علت تخلیه مدارس) در سطح تهران وجود دارد که هنوز آموزش و پرورش نسه توانسته برای دانش آموزان کاری انجام دهد .

* برخلاف جا روحنالهائی رژیم مدرسه علوی ، نیکان و روشنگر در تهران با شهریه های گزاف دانش آموز می پذیرد و بهترین دبیران را با کلیه امکانات رفاهی و مسکن استخدام کرده و این دبیران را از هر جهت تامین میکنند ، بودجه این مدارس از سوی تجار بازار و سرمایه داران تامین میشود که با دادن پولهای گزاف این مدارس را دایر میکنند و نیز شنیده میشود که سرمایه داران ، چکهای سفید به مدیران این مدارس حواله کرده اند و باز گفته شده که مدیران این مدارس حقیقه ای هستند !

والیته وزارت آموزش و پرورش نیز توان انحلال اینگونه مدارس را ندارد و به اعتراف اکرمی کاری از دست اینان بر نمی آید و این در حالی است که حکم تخلیه مدارس در جنوب شهر به سادگی صورت میگیرد ! اکرمی طی سخنرانی ای برای مدیران مدارس سطح تهران با عصبانیت شدید و پر خاشگسری مدیران این مدارس را محکوم میکند و آنها را به خودسری متهم مینماید و : " این مدارس با گرفتن شهریه های گزاف هزار تومانی و گرفتن معلمان با تجربه و داشتن اختیارات مطلق ، جدای از سیاستهای آموزش و پرورش کار میکنند " .

در همین رابطه یکی از مسئولین آموزش و پرورش گفته در حدود ۶ سال است ما نتوانسته ایم مدیران این مدارس را بر کنار کنیم و هیچ کاری نیز از دستمان بر نمی آید . مدیر یکی از این مدارس طی نامه ای به اکرمی گفته است شما هیچ کاری نمیتوانید بکنید ، جالب این که مدارس بدون کوچکترین وقعی به آموزش و پرورش کمالا مستقل عمل میکنند ، اما چرا تا به حال آموزش و پرورش نسه توانسته با آنها مقابله کند ، خود قابل بحث است !

* دولت به خاطر کمبود بودجه بسیاری از مهدکودکهای دولتی که در جنب موسسات دولتی به ویژه مدارس قرار دارند را بسته است این مسئله برای کارمندان زن مشکلات فراوانی ایجاد کرده و حتی منجر به بیکاری برخی از آنان گردیده است این مسئله در حالی است که مهدکودکهای محدود دولتی خرج بسیار اندکی در بودجه کشور دارند . ولی ورشکستگی اقتصادی دولت بدانجا رسیده که روی این مقادیر اندک نیز حساب میکنند !

* همزدوران رژیم در ادامه جنایات اخیرشان مبنی بر خراب کردن خانه های عده ای از مردم محروم (۶ خانواده) را در محله داراب رشت خراب کردند . ننگ و نفرت بر مرتجعین فسد خلق .

* اهالی روستای برکه به شهر در مقابل دادگستری تهران دست به تحصن زدند و علت این کار آنان این بود که دادگاه منطقه به نفع فتودالی به نام گلپادی که سنا تور شاه نیز

بوده ، حکم صادر کرده و روستا - ثیان را محبور به پس دادن زمینهایشان به این فتودال میکند ، طبق این حکم ۳۶ نفر دستگیر شده و اهالی روستا نیز مجبور به پرداخت ۴۳۱ میلیون تومان گردیده اند که این بیچارگان هر یک با فروش اقسام خود ۷۵۰۰ تومان به گلپادی پرداخته و قرار شده که مابقی این مبلغ را نیز بپردازند .

این است حمایت از مستضعفین و این است شعارهای تو خالی طاغوتیان ! موسوی خوئینیها ! * در ادامه سیاستهای دولت مبنی بر حمایت از سرمایه داران و چپا و لگران ، اداره راه استان آذربایجان شرقی با واگذاری کار احداث پل وسیل بند و جاده ها به شرکتهای خصوصی در سال ۶۳ با کسری بودجه ای بیش از ۱۰۰ میلیون تومان مواجه گردیده است با توجه به اینکه کیفیت و استحکامات پلها وسیل بندها که در روستا ها توسط این شرکتهای احداث گردیده در سطح بسیار پایین بوده که با اولین بارش زمستانی فروریخته اند . شرکتهای ذکر شده چون هر سال ماشینهای سنگین (بولدوزر ، کریدر و لودرو) از دولت سهمیه میگیرند و هیچ عجله ای در اتمام جاده ها از خود نشان نمیدهند .

* اخیرا بین وزارت صنایع سنگین برای تصاحب ساختمان شهرک میبایست نصب وزارت خانه ها میشد با هم درگیر شدند ابتدا پاسداران وزارت صنایع آنجا را میگیرند و بعد پاسداران وزارت صنایع سنگین آنانرا خلع سلاح کرده و ساختمان را اشغال میکنند که بعدا با مداخله کمیته و وزارت کشور از دست آنها گرفته میشود .

* بر اساس اخبار شنیده شده در روز ارتش فرمانده نیروهای مخصوص نیروی زمینی ارتش به نام "آشنا سان" همراه با ۱۶ نفر دیگر توسط سربازی در یک مانور نمایشی ترور میشوند سرباز مربوطه به جای تیرهای مشقی از تیرهای اصلی استفاده کرده و آنان را میکشد ولی رژیم اعلام میکند که اینان در حقیقه کشته شده اند .

گزارشات

گزارشی از پاکستان

متن خواسته‌های آوارگان و پناهندگان ایرانی که در پاکستان، طی تظاهراتی تصویب و توزیع شده است

"آوارگان و پناهندگان ایرانی"

با توجه به مبارزات پناهندگان در جهت رسیدگی به خواسته‌های برحقمان، به تاریخ ۱۶ ژوئن نامه‌ای با ذکر خواسته‌هایمان به UNHCR کراچی دادیم.

در این حرکت‌های مبارزاتی ما با مذاکرات مکرر با UNHCR و عدم رسیدگی به خواسته‌هایمان در اشکال گوناگون حرکت مبارزاتی خود را ادامه خواهیم داد. خواسته‌های ما عبارتند از:

- ۱- حل مسائل امنیتی حتی لامکان از طریق فراهم کردن امکانات لازم جهت انتقال پناهندگان که گاه با توهین و سهل انگساری در حفظ اسرار پناهندگان همراه بوده است.
- ۳- حل مشکلات مربوط به مسکن و نیز رفاه مشکلات مربوط به آموزش و بهداشت و غیره.
- ۴- با توجه به کمک هزینه بسیار ناچیز فعلی افزایش کمک هزینه موجود متناسب با تورم.
- ۵- روشن کردن سیاست‌های کوتاه مدت و درازمدت UN در قبال پناهندگان ایرانی.
- ۶- ما ارجاع هرگونه تصمیم گیری در مورد پناهندگان ایرانی به YMECA را محکوم میکنیم. و خواستار توقف آن هستیم علاوه بر خواسته های مذکور ما نمایندگان پناهندگان خواهیم که:

الف- نمایندگان پناهندگان از طرف UNHCR به رسمیت شناخته شوند. بد روشن نمودن علت قطع حقوق بعضی پناهندگان و اینکه بر چه اساسی حقوق آنان قطع گردیده است. ما قطع کمک مالی پناهندگان را محکوم میکنیم.

ج- هم چنین خواستاریم که وضعیت زندانیان که اخیراً از هلند deport شده و هم اکنون در زندان پاسپورت سل به سر میبرند و نیز زندانیانی که در زندانهای دیگر پاکستان به سر میبرند، بطور صریح مشخص شود.

"از طرف پناهندگان ایرانی"

۹ اکتبر ۱۹۸۵

رونوشت به:

UNHCR اسلام آباد

UNHCR ژنرژنو

عفو بین الملل نیویورک

روزنامه گاردین

روزنامه Down کراچی

روزنامه استار کراچی

روزنامه جنگ کراچی

بر طبق یک گزارش یکی از همراهان:

"یک روز قبل از انتخابات ریاست جمهوری رژیم استجاری، یعنی در تاریخ ۲۴/۵/۶۴، ساعت ۱۱ روز یکی از زندانیان زندان همدان که هوادار آرمان مستضعفین میباشد از زندان فرار و تبلیغات پردامنه رژیم زادر رابطه با زندانیان نقش برآب کرد. پس از چند روز حاکم شرع استان "سلیمی" و چند نفر از شکنجه‌گران و افراد دادگاه به اصطلاح انقلاب به خانه پدری فرد مزبور میروند و با انواع و اقسام حیلها و حتی التماس میخواهند، فراری خود را تسلیم نماید و حتی در آخر حاکم شرع از تخفیف جرم سخن به میان می‌آورد که اگر تسلیم شود اعدامش نمیکنیم. رژیم به یادآوری است که وی به ۲۵ سال زندان محکوم شده بود."

دنیاله مقاله "در کجای راهیم از ص ۷

در این میان ما توانستیم در تنگ تریمن محدوده کار و آغاز از یک برنامه حداقلی، امر "وحدت" در "کادر شورای متحد پویندگان راه شریعتی" را متحقق کنیم. این شورا که از "دانشجویان ارشد"، "هواداران موحدین انقلابی"، "در اروپا" و "هواداران آرمان مستضعفین" تشکیل شده، در خرداد ماه سال پیش اعلام موجودیت نمود (در واقع تجربه‌ای بود که ما را در طی طریق مشی آگاهی همراه وهم مسیر مینمود. تجربه‌ای که درس آموزی از آن و در عین حال غنی و بارور بودندش، برای فرزای فعالیت مشترک، اساسی ترین وظیفه بیروان مشی آگاهی و خصوصاً نیروهای ترکیب دهنده شورا است.

از این روعده ترین خطوط وظایف ما نیز در سال آینده حول همین محور شکل خواهد گرفت. اگر ما در فصل نخست حرکت خویش، مسئله آرگان و ارائه خط سیاسی را بعنوان محور فعالیت‌های خویش قرار داده بودیم، در دوره جدید وظایف اساسی خود را چنین طرح میکنیم:

۱- تبیین و طرح سیستماتیک مبانی و اهداف ایدئولوژیک - استراتژیک راه رنسانس (راه معلم).

۲- پی گیری خط "وحدت" روز افزون پویندگان مشی آگاهی، با سمت گیری غائی "حزبی"، و فرا - خوان کلیه پیروان راه معلم، جهت تنظیم ارتباط و هماهنگی و اتحاد عمل وطنی پر و سه تجانس و حل تفاوت نظرات به شیوه دموکراتیک.

۳- کسب همسویی مبارزاتی، خارج کشور به عنوان پشت جبهه ابلاغ گریبام همه جانبه شهدا اسرا و پیشتگانان راه آگاهی، در داخل کشور. لذا شعار ما، در مرحله آتی کارمان، همچنان این خواهد بود:

گزارشی از وضعیت بهداشتی و درمان

در جمهوری اسلامی:

از: احمد

اختصاص روز افزون و هرچه بیشتر درآمدهای رو به کاهش نفتی، به هزینه‌های سرکوب و اختناق و جنگ خارجی، درسیستم محدود و کشتن پذیر در آمد اقتصاد ایران، تنها راهی را که بقای بقای قدرت پرستان حاکم باقی میگذارد، کاهش تصاعدی امکانات حداقل زندگی مردم و دزدی زیر - خانه و فتنی از جیب و زیست آنهاست.

خمینی به این نمی‌اندیشد که از کجا باید دزدید او به این می‌اندیشد که باید به سرکوب و جنگ ادامه دهد و بماند. لذا افزون بر اختلاف آشکار حرث و نسل و جان و مال مردم، از طرفی به دزدی پنهان و زیرکانه زندگی آنها نیز ادامه میدهد. وضع زیست و زندگی روبه افول است و این ادراکی حسی، ملموس و روزمره برای مردم، اما، ارقام چه میگویند:

* موارد بیماری‌های واگیردار (هزار نفر) (۱)

۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	رشد دوره
۸۵۵	۱/۱۱۴	۱/۸۸۲	۲/۵۷۵	۲/۷۶۷	%/۲۳۳

بدین ترتیب امکان بیماری و موارد آن حدود ۳ برابر در دوره حکومت خمینی، رشد یافته است و این البته ناشی از کاهش بیش از ۲/۵ برای عوامل پیشگیرنده، درمانی و بهداشتی بیماریها است ارقام ذیل به نوعی مؤید ارقام فوق است:

* موارد بیماری دانش آموزان (هزار نفر) (۲)

۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	رشد دوره
۷۸	۸۲	۱۴۰	۱۶۲۱	%۱۰۵

بدین ترتیب در مورد کودکان و نوجوانان دانش آموز که قاعدتا از امکانات بهداشتی و درمانی بالاتری برخوردارند وضع بهترینست و الا در مورد زحماتشان و به خصوص در سنین بالاتر وضع بدتری حکم فرماست.

موارد فوق موارد بیماریهای جسمانی است که

سال مورد	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	رشد دوره
اندرکی	۱۴۰۰۲	۱۷۹۸۳	۸۵۱۳	۱۲۶۰۶	۲۷/۹۰۵	%۹۹
ترس	۲۲۳	۸۳۴	۱۵۵	۵۶۳	۶۰۵	%۱۷۱
صرع	۲۸۹۲	۴۸۹۰	۷/۷۹۳	۶۶۵۳	۸/۱۰۱	%۱۸۰
سایر	۱۱۰۲	۱۲۹۰۶	۱۲۲۵۶	۷۶۷۷	۱۲/۶۴۵	%۱۰۴۷

نسبت به پدیده‌های روانی پدیده ملموستری را تشکیل داده و مردم از امکانات درمانی بیشتری برخوردارند، بیماریهای روانی نیز در دوره یادشده افزایش چشمگیری یافته، این افزایش که بعلت عملکرد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی رژیم به وقوع پیوسته است نیز دارای ابعادی بحرانی است؛ (رجوع شود به جدول شماره ۳) بدین ترتیب بر اثر انواع مصائب اجتماعی و فشارهای فرهنگی و سیاسی که صورت انواع بیماریهای روانی یافته گونشهای از ضدیت حکومت با مردم را در شکل دیگری به نمایش میگذارد. افزایش حدود سه برابر متوسط بیماریهای روانی و عدم امکانات درمانی در ادامه یکی از ابعاد خود بصورت خودکشی به شکل ارقام ذیل نمود میابد

* تغییرات موارد خودکشی (نفر) (۴)

۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	رشد دوره
۶۷۱	۱۵۶	۲۰۰	۲۷۰	%۵۳

دلایل موارد فوق که بدلیلی از قبیل ناتوانی مردم در حل مشکلات گوناگون زندگی و اختناق فضای زندگی صورت گرفته، نما دهرچه تنگ تر شدن دایره امکان زندگی است. کاهش و نا کارائی عوامل بهداشتی، درمانی که در دلیل آن کاهش روز افزون، امکانات مادی، و کادرهای انسانی موثر نهفته است به صورت ذیل در ارقام انعکاس می یابد

سال مورد	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	رشد دوره
بزرگ	۱۶/۲۰۰	۱۶۹۲۷	۱۵۱۸۲	۱۵۹۲۵	۱۵۷۰۰	%۳
ماما	۲۳۵۰	//	//	//	۳۳۰۱	%۶
مراقبین بهداشتی	//	۵۶۹۲	//	//	۳/۹۶۸	%۳۰

و البته این در جایی است که جمعیت ایران بنرخ حدود ۳% در سال به طور متوسط یک میلیون نفر در سال افزایش می‌یابد در نتیجه با ازدیاد جمعیت و کاهش کمی و کیفی عوامل درمانی و بهداشتی ابعاد بحران به نحو روز افزون مرزهای جدیدی را پیدا مینماید یا ورقیها

- ۱- سالنامه آماری سال ۶۳، صفحه ۱۳۹.
- ۲- مرجع فوق صفحه ۱۵۱.
- ۳- مرجع فوق صفحه ۱۴۵.
- ۴- صفحه ۲۱۱، سالنامه آماری سال ۶۳.
- ۵- صفحه ۱۲۳ سالنامه آماری سال ۶۳.

بقیه اخبار از کانال

* طبق اخبار رسیده خامنه‌ای قبل از کاندیداشدن پیش‌خیمینی می‌رود و از او اختیار کامل در مورد نخست‌وزیر می‌خواهد که خیمینی نیز می‌پذیرد .

* طبق اخبار واصله خامنه‌ای طی یک نامه محرمانه مؤدیانه به خیمینی انتقاد کرده و گله نموده است که حضرت امام قرار بوده مادر مسعود انتخاب نخست‌وزیر اختیار کامل دهند حال چطور شد که بنظر خود بازگشتند .

* طبق اخبار واصله خامنه‌ای در یک جلسه چندساعته غیر علنی مجلس دلایل برکناری موسوی را اعلام داشته است .

در این جلسه مجلس متشنج بوده است پس از آن جلسه یک نفر ویا عده‌ای از نماینده‌ها طی یک نامه هشت صفحه‌ای که حاکی از اوج اختلافات داخلی رژیم و انحطاط مرتجعین میباشند اختلاسها ، دزدیها و دیگر فساد کربهای داخلی رژیم و خصلتهای اشرافی شخص خامنه‌ای و تاجر شدن روحانیت را بر ملا میسازند . این نامه به علت ترس با امضاء

محفوظ برای سران مملکتی فرستاده شده است که رفسنجانی با سالوسکاری سعی در قلابی جلوه دادن این نامه دارد در صورتیکه در محتوای این نامه فاکتھائی از مطالب همان جلسه غیر علنی که جز نماینده‌ها کسی در آن نموده عنوان شده است .

این نامه که نشانگر انحطاط درونی ارتجاع است توسط موجدین در داخل و خارج از کشور افشاء میگردد .

* طبق نفوذ رفسنجانی و سید احمد خیمینی ، پسر روی خیمینی و در نتیجه تایید موسوی تصمیم گرفته میشود برای علنی و عمومی کردن این مسئله و ایجاد جو سیاسی برای حاکمیت باند خود ، هرکس با دقتی خیمینی تماس گرفت صریحاً اعلام شود که خیمینی موسوی را تأیید کرده است ، در مرحله دوم بنا دبیرخانه ائمه تماس گرفته شده تا نامه کل کشور گفته شود که خیمینی موسوی را تأیید کرده است و در نهایت نامه ۱۲۵ نفر از نمایندگان به خیمینی و شورای در مورد نخست‌وزیر ساز میشود که

خیمینی نیز علناً موسوی را تأیید میکند

* طبق اخبار واصله رژیم برای برقراری غرفه ایران در نمایشگاه ژاپن بین ۱ تا ۲ میلیارد دلار از سرمایه این مردم محروم را به باد داده است غرفه ایران شدیداً بی‌ربط با هدف نمایشگاه بوده و در طی آن به تماشا چیان چای میدادند .

* بنا به گزارش رسیده از مناطق دیلمیان و سیاهکل شمال که دارای ۳۰۰ روستا میباشد ، خشکی و کمبود علوفه و کمبود آب تصمیم به فروش دامهای خود کرده‌اند و از طرفی بخاطر تنزل دائمی سطح بهداشت بیگاری نکیت بار جزام در این مناطق در حال شیوع است (این مسئله فروش دام بر اثر مشکلات در مورد روستاییان سراسر کشور صدق میکند .

* کمیته نظیای دانشگاه تهران طی اطلاعیه‌ای به دانش‌جویان در مورد رعایت حجاب ، التیماتوم داده و گفته است خواهان باید از مقنعه یا با روسری بلند و ضخیم در رنگهای ساده استفاده کنند و پیرا دران نیز از پوشیدن پیراهن آستین کوتاه خودداری نمایند . (مشابه این اقدام اسکولاستیکی در دیگر دانشگاه‌ها نیز عملی شده است)

* بعثت عدم کارآیی بانوان در ورزش و عملاً مسکوت گذاشتن ورزش بانوان ، مسئو- لین ورزش بانوان تهران بطور دسته‌جمعی استعفا کرده‌اند .

* ۳ نفر از ما موریس ایرانی که برای تحویل گرفتن یک کشتی ایرانی خریداری شده از ایتالیا به آن کشور رفتند بودند ، در اعتراض به حاکمیت استبدادی رژیم در داخل ، به آن کشور پناهنده شدند .

* اخیراً در یکجایی از اجلاسهای مجلس شورای مرتجعین در تاریخ ۶۴/۶/۳۱ ، لایحه‌ای پیرامون اصلاحیه قانون حفظ و توسعه صنایع مصوبه شورای با اصطلاح انقلاب (منظور از این اصلاحیه ، برگرداندن کامل و سرخ و قانونی کارخانجات به سرمایه داران است) مورد بحث قرار گرفت .

این لایحه بقدری مفتضح و ضد مردمی بوده است که یکی از نمایندگان ترحم‌گرای مجلس میگوید : این لایحه نوعی سلطنت طلبی و بازگشت شاه است ، او همچنین در گفتگویی در حاشیه مجلس میگوید : اینک بطور مداوم بسیاری از قوانینی مشابه طرح فوق به مجلس داده میشود ، که مجلس آنها را تصویب کند در خالیکه هیچکس از مردم از نند بختی که به سرشان می‌آید خبر ندارند میشوند ! او می‌فزاید در شرق تهران بنا بود مقداری زمین به کارگران داده شود اما آمدند با زور زمینها را گرفته و به افراد ارگانهای دولتی مانند سپاه و کمیته و داده‌اند . اینان نمیخواهند جلوی عده‌ای سرمایه‌دار و

بقیه در صفحه ۱۲

<p>آدرس برای مکاتبه و آبونمان</p> <ul style="list-style-type: none"> ● khandagh ● B.P 135 ● 94 004 ● creteil-cedex ● France <p>***</p> <p>ERCHAD'S STUDENTS</p>	<p>برای کمک مالی و وجوه نشریات</p> <p>حساب بانکی</p> <ul style="list-style-type: none"> ● B.N.P 30004 ● khandagh ● N° 01256551 شماره ● Code: 00892 ● Ag.Kleber ● Paris - France
--	---